

ارزیابی تطبیقی معیارهای سنتی و جدید اجتماع‌پذیری و تحقق آن در دو محله سنتی و جدید مطالعه موردی: محله جلفا، سپاهان شهر اصفهان

مهدی حمزه‌نژاد^{۱*}، زهرا شریفیان^۲

^۱ استادیار گروه معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران
^۲ دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، اصفهان، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۲۴

چکیده

ارتقای تعاملات اجتماعی در محله از مهم‌ترین جلوه‌های تحقق پایداری در شهرها است. پژوهش حاضر ابتدا به بررسی تلقی ذهنی اهالی هر دو محله از تفاوت شاخصه‌های اجتماع‌پذیری در گذشته و امروز و پس از آن به تبیین میزان اجتماع‌پذیری با هر دو معنای سنتی و جدید آن در سطح محله‌های سنتی و جدید شهر اصفهان با استفاده از دیدگاه ساکنان می‌پردازد تا از این طریق بتوان راهکارهایی را برای ترمیم و بازخوانی اجتماع‌پذیری در محله‌های جدید و قدیم استخراج و پیشنهاد نمود. رویکرد تحقیق کیفی و استدلالی و راهبرد آن استدلالی و همبستگی و از نوع بررسی تطبیقی است که در آن با استخراج شاخص‌های مؤثر بر پایداری اجتماعی محله‌ها از مطالعات اسنادی و روش تحلیل محتوا و بررسی اعتبار آن‌ها با دلفی نخبگانی و پس از آن مراجعه به اهالی هر دو محل و بررسی تلقی ذهنی آن‌ها از هر نظام اجتماعی و ارزیابی آن‌ها از محله خود، همبستگی معیارها نظری نخبگان و اهالی در هر دو نظام و فکری و تطبیق آن‌ها با نظام کالبدی مربوطه شناسایی و میزان پایداری اجتماعی هر محله با روش‌های کمی بررسی شده است. جامعه آماری پژوهش را ساکنان هر دو محله جلفا و سپاهان شهر تشکیل داده‌اند. حجم نمونه بر اساس سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال خطای ۵ درصد برای ۱۷۱ نفر تعیین شد. اعتبار این پرسشنامه با توجه به آلفای کرونباخ برای محله جلفا معادل ۰,۷۱۵ و برای محله سپاهان شهر معادل ۰,۹۰۸ مورد تأیید قرار گرفت. شاخص‌ها در سه گونه (کالبدی فضایی، فرهنگی اجتماعی و انسانی) و زیر شاخص‌های اصلی طبقه‌بندی گردید. با ارزیابی نظر خبرگان در مورد امتیاز هر شاخص در اجتماع‌پذیری محله سنتی و جدید و امتیاز اختصاص یافته توسط ساکنان در شاخص‌های مورد بحث، این نتیجه حاصل گردید که شاخص فرهنگی- اجتماعی و کالبدی- فضایی در محله نوین سپاهان شهر و در طرف مقابل شاخص انسانی در محله سنتی جلفا امتیاز بیشتری را در اجتماع‌پذیری به خود اختصاص داده‌اند که می‌توان با تمرکز بر عوامل تأثیرگذار بر این شاخص‌ها (در محله نوین تمرکز بر شاخص انسانی و در محله سنتی تمرکز بر دو شاخص دیگر) اجتماع‌پذیری هر محله را ارتقا بخشید.

واژگان کلیدی: اجتماع‌پذیری، محله سنتی (جلفا)، محله نوین سپاهان شهر، اصفهان.

* E-Mail: hamzenezad@iust.ac.ir

پایداری اجتماعی در دو نظام فکری سنتی و جدید و در بین محله سنتی و جدید، شناخت و ارزیابی پایداری اجتماعی در سطح محله‌ها با نظرسنجی از ساکنان است تا بتوان از این طریق میزان موفقیت محله‌ها در تحقق اجتماع‌پذیری را مورد سنجش قرار داد و راهکارهایی را برای ایجاد و بازنده‌سازی پایداری اجتماعی انواع محله‌ها استخراج و پیشنهاد نمود. به این ترتیب انتظار می‌رود نتایج این تحقیق برای برنامه‌ریزان و طراحان شهری و سیاست‌گذاران ارتقای فرهنگ اجتماعی محله‌ها و شهرها بتواند مفید باشد.

سؤال پژوهش

برای بررسی تطبیقی تعریف و شاخصه‌های اجتماع‌پذیری در دو نگرش و دو محله سنتی و جدید، به صورت منطقی چهار حالت زیر قابل فرض است (جدول شماره ۱). از این میان دو حالت انسجام کاملاً سنتی و کاملاً متجدد، اگرچه برای فهم شرایط آرمانی فوایدی دارند ولی به‌طور قطع پاسخ نیاز امروز محله‌ها که آمیخته‌ای از نیازهای گذشته و امروز در آن‌ها جاری است، نیستند. به این ترتیب دو حالت ترکیبی که در آن اصول اجتماع‌پذیری سنتی در محله‌های جدید و یا به‌عکس، در محله‌ها جاری گردد مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در مورد چگونگی این ترکیب بحث و بررسی خواهد شد.

جدول شماره ۱: چهار حالت ممکن در ترکیب اصول اجتماع‌پذیری گذشته و امروز با کالبد محلات امروز و گذشته

اصول اجتماع‌پذیری سنتی	اصول اجتماع‌پذیری جدید	
محله اصیل و منسجم سنتی	محله سنتی با اصول رفتاری جدید چگونه و با چه ترکیبی؟	محله سنتی
محله جدید با اصول سنتی چگونه و با چه ترکیبی؟	محله اصیل و منسجم نوین	محله جدید

به این ترتیب اصلی‌ترین پرسشهای این مقاله به قرار زیر خواهد بود:

۱. آیا تفاوت‌ها و تمایزات جدی بین روش‌های اجتماع‌پذیری سنتی و جدید وجود دارد؟ این تفاوت‌ها چیستند و آیا ساکنان هر دو محله بر یک میزان همین تفاوت‌ها را قبول دارند؟
۲. آیا روش‌های سنتی برای ساکنان محله‌های سنتی و روش‌های جدید برای محله‌های جدید پاسخگو است و آیا لازم است ترکیب خاصی بین روش‌های سنتی و جدید را تنظیم کرد؟ بر اساس نظر ساکنان، در هر یک از محله‌ها چه ترکیبی از این اصول لازم است؟

بدون تردید محله به عنوان یکی از عرصه‌های فضاها شهری قابلیت تولید بستر مناسب برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را دارا است. محله تبلور کالبدی اجتماع و مرزهای آن تبلور حریم‌ها و قلمروهاست. توجه به بعد اجتماعی محله، قلمروهای اجتماعی و غیرکالبدی و ایجاد عناصر کالبدی که بتواند مرزهای قلمروی اجتماعی را هر چه بیش‌تر مهیا سازد، می‌تواند به سازمان‌دهی بیش‌تر کنش‌های متقابل و تعاملات اجتماعی منجر شود. محله از ارکان اصلی کالبد شهر بوده و تعادل زندگی اجتماعی در شهرها بستگی به حفظ محله‌ها دارد (مفیدی شمیرانی و مضطرزاده، ۱۳۹۳: ۵۹). با استفاده از اصول و معیارهای اجتماع‌پذیری محله می‌توان در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی بافت‌های مسکونی با بهره‌مندی از ظرفیت‌های محله با رویکردی جدید به منظور ارتقای کیفیت محیطی به باز زنده‌سازی محله‌های شهری پرداخت. اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی بر پایه نیاز مردم به حس تعلق اجتماعی و تعامل با یکدیگر قرار دارد و این امر در یک فضای اجتماعی حمایت‌کننده در کنار تأمین آسایش فیزیکی، ادعای قلمرو، حس مالکیت و دریافت عدالت در فضا میسر خواهد بود (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۲). در گذشته، ساکنان محله‌ها با هم ارتباط نزدیک و تنگاتنگی از لحاظ اجتماعی و فرهنگی داشته‌اند. محله بخشی از ساختار فضایی-کالبدی شهر با محدوده کالبدی-اجتماعی مشخص بود. روشن است که در این واحد تنها حضور فیزیکی ساکنان محدود نبوده و سکونت در این واحد با احساس هویت همراه بود. اما آنچه ما در محله‌های امروزی شاهد آن هستیم کاهش سطح ارتباط ساکنان با یکدیگر است و به این ترتیب احساس جمعی اجتماع‌های محلی و وابستگی احساسی به یک مکان در حال ناپدید شدن است (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲: ۱۸). سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که، روش‌های اجتماع‌پذیری در محله‌های سنتی با شرایط امروز، برای محله‌های جدید سازگاری دارد؟ به نظر می‌رسد شاخصه‌های اجتماع‌پذیری در سنت و تجدد متفاوت باشد و همین مسأله به تفاوت نگرش افراد انجامیده است. اگر چه افراد متناسب با سلیقه خود، محله‌ای متناسب با خود را می‌یابند ولی شناخت این تمایزات در تنظیم سیاست‌های توسعه محله‌ها اهمیت بالایی دارد.

در این پژوهش سعی بر آن است تا با در نظر گرفتن نظرات نخبگان و مبانی نظری تحقیق و بررسی تا باید آن‌ها توسط ساکنان میزان انتظار و علاقه‌مندی ساکنان را در ارتباط با اجتماع‌پذیری محله سکونت‌شان در دو محله سنتی و جدید در کنار تلقی ذهنی هر کدام از دو نظام فکری اجتماع‌پذیری سنتی و جدید مدنظر قرار داده و عوامل مؤثر بر ارتقا تعاملات اجتماعی در محله‌ها و شیوه بهره‌گیری از هر دو نظام را شناسایی نماییم.

در این راستا هدف اصلی تحقیق، کشف عوامل مؤثر بر

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است. مصادیق از میان محله‌های سنتی و جدیدی که امروزه شکلی زنده و پویا داشته و مورد اقبال پاره‌ای مردم برای زندگی باشند انتخاب شد تا بهتر بتواند نمایشی از زندگی هوشمندانه و انتخاب شده سنتی و جدید باشد و به همین جهت دو محله جلفا و سپاهان‌شهر انتخاب گردید. در حقیقت این پژوهش در ۴ مرحله به انجام رسیده است؛ در مرحله اول ادبیات موضوع مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به هدف موضوع، شاخص‌ها و زیر شاخص‌های معتبر مورد استفاده در سطوح ملی و بین‌المللی به عنوان چارچوب نظری در تدوین شاخص‌های پایداری اجتماعی از ادبیات موضوع استخراج شد. مرحله دوم با بهره‌گیری از تکنیک دلفی و نگرش‌سنجی از خبرگان، شاخص‌ها و زیر شاخص‌ها در دو نگرش سنتی و جدید وزن‌دهی گردید و تنها مواردی که از دید همه نخبگان دارای اعتبار بالای ۸۰ درصد بودند مبنای سنجش توسط ساکنان در سطح محله‌های مورد نظر، قرار گرفتند. در پرسشنامه‌ها همین شاخص‌ها را ابتدا به صورت نظری از ساکنان هر دو محله پرسیده و مدل ذهنی آن‌ها را از سنت و تجدید ترسیم کرده و سپس ارزیابی ذهنی آن‌ها را از وضعیت ترکیب این ارزش‌ها در محله خودشان جویا شده‌ایم. برای تحلیل پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده ساکنان محله‌ها از نرم‌افزار آماری spss استفاده شد. این پژوهش از نظر هدف در دسته پژوهش‌های بنیادی-کاربردی قرار می‌گیرد. هم‌چنین علاوه بر راهبرد همبستگی از راهبردهای توصیفی-تحلیلی و موردکاوی نیز بهره‌گیری شده است.

روش نمونه‌گیری

روش انتخاب نمونه‌ها در مورد مردم، به دلیل تکمیل پرسشنامه در داخل فضای مورد مطالعه، به روش تصادفی ساده و در دسترس انتخاب شد. افرادی مورد مطالعه قرار گرفتند که در مراکز تجمع در محله‌های مورد بررسی حضور داشتند. این مکان‌ها شامل، فروشگاه، بوستان، میدان‌های محله‌ای، بازارچه، مساجد و غیره بودند. تعداد پرسش‌شوندگان، با توجه به این که طیف لیکرت در تدوین پرسشنامه استفاده شده است و با انحراف معیار ۰,۶۶۷، با سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت ۰,۱ تعداد نمونه‌های مورد نظر به ۱۷۱ عدد می‌رسد.

پیشینه نظری تحقیق

زارع شاه‌آبادی و دیگران (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان «سنجش پایداری اجتماعی در بین محله‌های قدیم و جدید شهر یزد» انجام داده‌اند. هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی در بین محله‌های قدیم و جدید شهر یزد است. یافته‌ها نشان می‌دهد مقایسه بین محله‌های جدید، قدیم و

مجتمع‌های مسکونی بیانگر این است که محله‌های قدیم ناپایدارتر و محله‌های جدید دارای پایداری بیش‌تری هستند و نیز بر اساس نتایج رگرسیون از بین ۸ متغیر مستقل وارد شده به معادله رگرسیون، در محله‌های جدید و مجتمع‌های مسکونی عوامل رضایت از محله و رضایت از مسکن در بیان پایداری سهم بیش‌تری را ایفا می‌کند و در محله قدیم علاوه بر عوامل ذکر شده، مشکلات اجتماعی، سن نیز جزء عوامل مؤثر در پایداری محله به حساب می‌آیند. در این مقاله پایداری اجتماعی بیش‌تر از دیدگاه روان‌شناسی مطرح شده در حالی که در مقاله حاضر، پایداری اجتماعی در محله از دیدگاه کالبدی-فیزیکی، فرهنگی-اجتماعی و انسانی بررسی گردیده است.

علیزاده و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «سنجش پایداری اجتماعی محلات بر اساس دیدگاه ساکنان (نمونه موردی: محله فیض‌آباد شهر کرمانشاه)»، به تعیین میزان پایداری اجتماعی در سطح محله کرمانشاه با استفاده از دیدگاه ساکنان به عنوان هدف اصلی مقاله پرداخته‌اند تا از این طریق بتوان راهکارهایی را برای ترمیم و بازخوانی پایداری اجتماعی معرفی نمود. بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق، معیارهای رضایتمندی، امنیت اجتماعی و ثبات اجتماعی بیش‌ترین تأثیر را بر پایداری اجتماعی محله نسبت به سایر معیارها داشته‌اند (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر سعی شده است تا عوامل مؤثر در ارتقای تعاملات اجتماعی از دیدگاه ساکنان دو محله سنتی و جدید و میزان تأثیر هر کدام از این شاخص‌ها در محله‌ها مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرند.

در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی در میان ساکنین محله مسکونی (نمونه موردی: محله درکه-تهران)» ضمن شناسایی عناصر مؤثر بر ارتقا تعاملات اجتماعی، روابط همبستگی بین این عوامل را در قالب یک مدل تحلیلی ترسیم می‌کند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ساختار اجتماعی-سیاسی، ساختار کالبدی-فضایی و حالات روحی-روانی استفاده‌کنندگان از فضا در ارتقای تعاملات اجتماعی در میان ساکنان درکه تأثیرگذار است (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳).

لطیفی و دیگران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تطبیقی سرزندگی شهری در محله‌های مجیدیه جنوبی و سعادت‌آباد تهران» عوامل مؤثر بر سرزندگی شهری را بررسی کرده و به بیان تفاوت آن در محله‌های مختلف پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مطلوبیت کیفیت محیط در درجه اول اهمیت است. سپس به ترتیب دسترسی به خدمات محلی (به خصوص گذران اوقات فراغت) و امنیت شهری بیش‌ترین تأثیر را در سرزندگی محله دارد (لطیفی و دیگران، ۱۳۹۳). در این مقاله عوامل مؤثر بر سرزندگی شهری مورد ارزیابی قرار گرفته در حالی که در پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر در پایداری اجتماعی

و بیان تفاوت آن در دو محله پرداخته است.

واقعی برای همه افراد و در همه زمان‌ها درآید. در این باره از جمله چالش‌های رویکرد مزبور، منفک نبودن پایداری اجتماعی با دو بعد زیست محیطی و اقتصادی آن است. هم‌چنین در اغلب مواقع داده‌های اجتماعی و فرهنگی به راحتی در دسترس نبوده و اندازه‌گیری آن بسیار مشکل است. در تبیین جایگاه رویکرد پایداری اجتماعی باید گفت: که پایداری اجتماعی زمانی محقق می‌شود که فرایندهای رسمی و غیررسمی، سیستم‌ها، ساختارها و روابط موجود در شهرها با مساعی یکدیگر هر چه بیش تر بر ظرفیت نسلی فعلی و نسل‌های آینده بکوشند که قاعدتاً نتیجه آن برخورداری از یک شهر پویا، سلامت مدار و نیز سرزنده خواهد بود (نوابخش و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۲)

در تعریف پایداری اجتماعی، گروهی از محققان به چهار عنصر اصلی و تعیین‌کننده اشاره کرده‌اند: عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت در این معنا، مؤلفه‌هایی چون فرصت‌های برابر و توأم با پیشرفت برای تمامی انسان‌ها، زندگی همراه با تعاون و همکاری، فرصت‌های برابر برای تمامی افراد به منظور ایفای نقش‌های اجتماعی به همراه امنیت، امرار معاش و ایمنی سکونت‌گاه‌های انسانی در برابر مخاطرات طبیعی، مبنای سنجش پایداری اجتماعی قرار گرفته‌اند (DFID, 2002: 2). مفهوم پایداری اجتماعی شامل دو مبحث برابری اجتماعی و پایداری اجتماعی محلی هستند. تساوی اجتماعی شامل دسترسی به خدمات و فرصت‌هاست در حالی که پایداری اجتماع محلی شامل ابعاد فرعی زیادی مانند حس تعلق به محله، تعاملات اجتماعی و امنیت محله، کیفیت محیط بومی، رضایت از مسکن و مشارکت در فعالیت‌های جمعی مدنی است (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶). از آنجایی که اساس پایداری اجتماعی تعامل میان فضا و جامعه است و پایداری اجتماعی بیش تر بر افزایش کیفیت جریان زندگی تمرکز می‌کند و برای نیل به پایداری اجتماعی در یک فضا سه اصل ضروری است: ۱) پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان، ۲) ارتقای کیفیت زیست انسانی از طریق شناخت نیازهای عالی و غیرمادی انسان، ۳) هم‌خوانی الگوهای رفتاری با کالبد ساختمان (رئیس و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰).

عوامل اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی معماری در سنت

و تجدد

اجتماع‌پذیری فضای عمومی معماری ماحصل حلقه‌های واسطه منتج از فرایند همنشستی و ساختی، بین ویژگی‌های کالبدی-انسانی است که سنجش این فرایند و میزان آن با چند معیار توضیح‌دهنده صورت گرفته‌است که عبارتند از: قابلیت برقراری تعاملات بین افراد غیر صمیمی، میزان تمایل به تعامل در فضا، میزان حضور در فضا و مراجعه به آن، احساس نیاز به تعامل، تعلق مکانی به فضا و مدت توقف در فضا (صالحی نیا، معماریان، ۱۳۸۸: ۱۵).

در این پژوهش «تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی» بیان می‌شود که تعلق به مکان، نقطه تلاقی عناصر کالبدی مفاهیم ذهنی فرد از مکان و ساختارهای اجتماعی می‌باشد که در سه رابطه روحی- روانی، اخلاقی و بیوگرافی قابل دسته‌بندی است و هم‌چنین ثابت می‌کند که تعلق جمعی به محله سنتی، بالا و قوی است و همین امر ذهنیت ساکنان را بر روی هویت مکان‌ها و تعلق به آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد (پیربایی و سجاد زاده، ۱۳۹۰).

کل آنتونیو (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «میزان پایداری اجتماعی: بهترین عامل در بازسازی شهرهای اتحادیه اروپا»، که توسط این اتحادیه منتشر شد، به بررسی تعاریف و ابعاد پایداری اجتماعی پرداخت. وی بر این باور است که نسل جدیدی از شاخص‌ها به صورت مؤلفه‌های ادراکی، برای مباحث پایداری در حال پیشنهاد است و در نهایت پایداری اجتماعی را به عنوان عنصر متمایز در بین جوامع معرفی می‌کند (Colantonio, 2007).

خلاً موجود این مطالعات در توجه به تعیین شاخص‌های پایداری اجتماعی در دو محله سنتی و جدید از دیدگاه کالبدی-فضایی، فرهنگی-اجتماعی و انسانی است چرا که در اکثر مقالات نگاهی متمایز نسبت تعیین شاخص‌های اجتماع‌پذیری به صورت مجزا در محلات سنتی و جدید نداشته‌اند.

مباحث نظری

جایگاه تعاملات و اجتماع‌پذیری

تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۲). مفهوم اجتماع‌پذیری، به عنوان قابلیت فضایی برای گرد آمدن ترکیبی از اجتماع‌های انسانی در اشکال مختلفی از زندگی اجتماعی، تبلور می‌یابد که در فضاهای شهری هم‌چون واحد همسایگی، محله و... به منصفه ظهور رساند (مظفر و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۳).

به لحاظ نظری، پایداری اجتماعی، آمیزه‌ای است از مبانی و حوزه‌های سیاست‌های اجتماعی سنتی نظیر: برابری و بهداشت، موضوعات مرتبط با مشارکت‌ها، نیازمندی‌ها، سرمایه اجتماعی، اقتصاد، محیط‌زیست و اخیراً نیز موضوع شادمانی، رفاه و کیفیت زندگی است. هم‌چنین این رویکرد منعکس‌کننده آن عناصر و فعالیت‌های اقتصادی است، که به شبکه‌های اجتماعی جان داده و به بهبود کیفیت زندگی و رفاه شهروندان رونق می‌بخشد. در این رابطه دست‌یابی به پایداری اجتماعی مستلزم تغییر در نگرش مردم پیرامون کیفیت زندگی است و آن باید به صورت هدف

و نیز آب و گیاهان در فضاهای خوش منظر، گره‌ها و مسیرها در فضاهای حرکتی، زمین‌های بازی و فضاهای باز مثل گشایش فضایی جلوی بلوک‌ها در بخش فضاهای فعالیتی و نهایتاً فضاهای تعریف‌نشده و حاشیه‌ای در بخش فضاهای بدون عملکرد (197: HUANG, 2006).

کل آنتونیو در پژوهشی به تجزیه مؤلفه‌های پایداری اجتماعی پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های سنتی از قبیل عدالت و کاهش فقر به طور نامحسوسی جای خود را به مفاهیمی مانند هویت، حس مکان و مزایایی از شبکه‌های اجتماعی داده است (سرابی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

جدول شماره ۲: مؤلفه‌های کلیدی پایداری اجتماعی سنتی و در حال ظهور

مؤلفه‌های پایداری اجتماعی سنتی	مؤلفه‌های در حال ظهور
نیازهای اساسی از جمله مسکن و بهداشت محیط	تغییر دموگرافیک (پیری، مهاجرت و تحرک)
آموزش و پرورش و مهارت	اختلاط اجتماعی و انسجام
اشتغال	هویت، حس مکان و فرهنگ
عدالت	توانمندسازی، مشارکت و دسترسی
حقوق بشر و جنسیت	بهداشت و ایمنی
فقر	سرمایه اجتماعی
عدالت اجتماعی	رفاه، شادی و کیفیت زندگی

مأخذ: Colantonio & Dixon, 2009:19

آنتونیو اگر چه نکات جالب را در این مقایسه آورده است ولی به روح این تمایز که ناشی از تغییر بنیادین فرهنگ است کمتر دست یافته است. سنت گذشته برخاسته از فرهنگ اجتماع بیش تر محورانه و مولدی بود که دوره جدید با گسترش جمعیت و تراکم بالا و ناشناسی اهالی آن را از بین برد و گونه‌های دیگر از پایداری اجتماعی را مبنی بر زندگی مستقل و مصرف‌گرا همراه با امکان ارتباطات غیرشناخته شده ولی توده‌وار را به همراه داشت که کاملاً با رویکرد گذشته متفاوت است و درک این تفاوت برای هر برنامه‌ریزی بسیار حایز اهمیت است. از محققان ایرانی نیز برخی به نوعی دیگر به بررسی شیوه‌ها و اصول اجتماع‌پذیرتر کردن فضاهای سنتی را در شرایط امروز دنبال کرده‌اند. عطایی و پورمحمدی نکات زیر را برای افزایش اجتماع‌پذیری فضاهای سنتی راهگشا دانسته‌اند: ۱. فرصت‌های کالبدی مناسب برای نشست، مکث و تامل بیش تر در فضا؛ ۲. فضاهای کانونی برای تجمع افراد مانند گردهمایی‌های کوچک و برگزاری کلاس‌های آموزشی و موارد مشابه؛ ۳. ورودی‌های دعوت‌کننده و دسترسی به فضا به لحاظ بصری و کالبدی؛ ۴. پیش‌بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی‌شناسانه آن؛ ۵. راه‌ها و ارتباطات فضایی

فضاهای عمومی با کیفیت همیشه از این طریق قابل تشخیص است که مردم قدم‌زدن یا کارهای روزانه‌شان را رها کنند تا لختی در آن استراحت کنند و از شهر، فضاهای عمومی و بودن در کنار یکدیگر لذت ببرند. شرایط خوب برای قدم‌زدن زندگی پیاده، همراه با امکاناتی برای درنگ، توقف و کسب تجربه، کلید ایجاد فضاهای شهری سرزنده و جذاب است. رفت‌وآمد در فضاهای جمعی خوب، عمدتاً با قدم‌زدن، دوچرخه‌سواری و محدودیت ورود وسایل نقلیه ممکن می‌شود (گل، ۱۳۸۹: ۶). نهادی که برنامه‌ریزی برای فضاهای عمومی را مورد تحقیق قرار می‌دهد فرصت‌های کالبدی مناسب جهت نشست، مکث و تامل بیش تر در فضا، فضاهای کانونی جهت تجمع افراد مثل ایستگاه اتوبوس، زمین بازی، مکان غذا خوردن و... ورودی‌های دعوت‌کننده و دسترسی به فضا به لحاظ بصری و کالبدی، پیش‌بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی‌شناسانه آن، راه‌ها و ارتباطات فضایی مناسب در هدایت مردم به درون فضا، خوانایی و وضوح فضایی، کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده، تعریف بدنه‌ها و هویت جداره‌ها، ارتباط با سیستم حمل و نقل شهری و پیش‌بینی فعالیت‌های جذاب را از عوامل مؤثر در پاسخگویی فضاهای عمومی به نحو مطلوب می‌داند (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۴). امنیت، تداوم و خوانایی و قابل پیش‌بینی بودن فضا، وجود تسهیلات مناسب در فضا، راحتی و آسایش محیطی بر بعد کالبدی و عواملی چون کسب آگاهی و تجارب محیطی، پیچیدگی و رمزآلودگی، هویت‌یابی، خلوت‌جویی و دل‌بستگی در فضا، بر بعد فعالیتی فضا، از جمله عوامل خلق یک فضای عمومی موفق است که بتواند پذیرای افراد و گروه‌های مختلف باشد (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۳). ویلیامز دسترسی به امکانات، دسترسی به فضای سبز، فرصت‌های شغلی، حمل‌ونقل عمومی، فرصت‌هایی برای قدم‌زدن و دوچرخه‌سواری، فضای مسکونی، سلامت و بهداشت عمومی، میزان جرم‌خیزی، جدایی‌گزینی اجتماعی کمتر را مد نظر قرار می‌دهند (شهابیان و پیرایه‌گر، ۱۳۹۲: ۳۶۵). هانگ، نوع فضا و عناصر شهری را دو عامل اثرگذار در تعاملات اجتماعی می‌داند، که این فضاها بر اساس کیفیت اصلی فضایی‌شان به پنج دسته طبقه‌بندی شدند: فضای نشست، فضای خوش منظر، فضای حرکتی، فضای فعالیتی و فضای مبهم (بدون عملکرد). امکانات نشست از عناصر برجسته فضای نشست است. فضای خوش منظر شامل عناصر طبیعی با اهمیت بصری است. فضای حرکتی شامل مسیرهای پیاده و نواحی برگشتی در مسیرها، از عناصر اصلی هستند. فضای فعالیتی بیش‌ترین فضای باز و امکانات سرگرمی و تفریحی را دارند و در نهایت فضای مبهم (بدون عملکرد) که در ۴ فضای بالا طبقه‌بندی نمی‌شود. در داخل این ۵ نوع فضا، ۱۰ عنصر شهری مورد بررسی قرار گرفتند؛ نیمکت‌ها و سایر عناصری که قابلیت نشست دارند (به دو صورت مقعر و محدب)، المان‌های بصری مانند مجسمه‌ها

مبانی پایداری اجتماعی در محله‌های اصیل سنتی گذشته
 محله به عنوان یک مکان کالبدی و اجتماعی که می‌تواند شرایط مناسبی را برای افزایش مشارکت مردم و استفاده از توان جمعی آنان فراهم آورد. در بازتولید هویت محله، تقویت حافظه تاریخی محله، تقویت حس تعلق و مشارکت شهروندان در محله، ایجاد فضاهای عمومی و گفتگو بین شهروندان و حفظ سازمان محله‌ای بسیار مهم است. محله‌گرایی می‌کوشد تا نظم اجتماعی را برقرار سازد و امنیت اجتماعی، تفاهم و مشارکت مدنی تحقق یابد. مشارکت مدنی در سطح محله موجب وفاق اجتماعی گردیده و از بار تصدی‌گری دولت می‌کاهد (حقیقتیان و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۵).

شهرهای تاریخی ایران در گذشته به مثابه یک کل مرکب از اجزا به صورت محله‌ها و مرکز شهر شامل بازار و عناصر مرتبط با آن بوده است. بنابراین محله‌ها به عنوان سلول‌ها و عناصر پایدار سازنده سکونت ساکنان شهر در کنار هم در ساخت و سازمان کالبدی-فضایی شهر نقش داشته‌اند. با وجود آن‌که عوامل مختلف محیطی، اقلیمی و موقعیت جغرافیایی و هم‌چنین ویژگی‌های اجتماعی-سیاسی و اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی ساکنین در شکل‌گیری فضاهای محله تأثیرگذار بوده است ولی در تمامی شهرهای ایران در گذشته می‌توان ویژگی‌ها و اصول مشخصی را در ساختار کالبدی-فضایی و ساختار اجتماعی پی‌جویی کرد. اصول به کار رفته در ساختار کالبدی-فضایی محله در شهرهای ایرانی عبارتند از: ۱- پیوند میان مرکز شهر و مراکز محله‌ها؛ ۲- مرکزیت؛ ۳- پیوند میان شبکه راه‌های منطقه‌ای با شبکه گذرهای اصلی؛ ۴- قلمرو محله‌ای؛ ۵- سلسله مراتب؛ ۶- انعطاف‌پذیری؛ ۷- اتحاد و همبستگی اجتماعی؛ ۸- انعطاف‌پذیری جمعیتی؛ ۹- مدیریت محله‌ای (ثقه‌الاسلامی و امین زاده، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۶). در جدول شماره ۳ ویژگی‌های محله در شهرنشینی ایران بیان شده است.

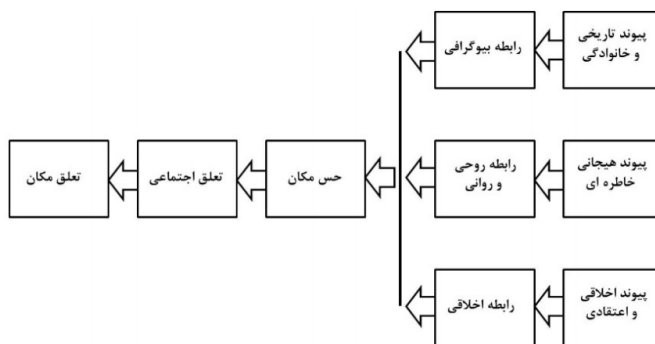
جدول شماره ۳: ویژگی‌های محله‌های شهرنشینی ایران

ویژگی‌ها	محل در شهرنشینی ایران
مفهوم	واحدی اجتماعی-فضایی
تعریف	قلمرویی اجتماعی برای سکونت-عناصر اصلی ساختار فضایی و اجتماعی شهر-واحدی اجتماعی، مدنی، فرهنگی، کالبدی و اقتصادی
نقش و جایگاه	اصلی‌ترین واحد روابط اجتماعی در شهر-سکونت‌گزیدن گروه اجتماعی و وحدت‌دهنده اجتماعی-ایجادکننده تعاون و همکاری بین ساکنان
الگوی شکل‌گیری	الگوی شکل‌گیری ارگانیک و متمرکز، در بعضی مواقع دارای مرزهای مشخص و در برخی مواقع فاقد مرزهای کالبدی مشخص
عناصر شاخص	فضای فرهنگی (مسجد) به عنوان عنصر شاخص
اصول شکل‌دهنده	مرکزیت متأثر از ارزش‌های فرهنگی-قلمرو-سلسله مراتب-همپیوندی-وحدت و همبستگی اجتماعی-مدیریت محله‌ای و خودکفایی محله‌ها

مأخذ: ثقه‌الاسلامی و امین زاده، ۱۳۹۲: ۳۸

مناسب در هدایت مردم درون فضا، خوانایی و وضوح فضایی؛ ۶. کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده؛ ۷. تعریف بدنه و هویت جداره‌ها؛ ۸. ارتباط با سیستم حمل و نقل شهری؛ ۹. پیش‌بینی فعالیت‌های جاذب (عطایی و پور محمدی، ۱۳۹۴: ۲۴۲) که بیش‌تر آنها به شاخصه‌های نوین اجتماع‌پذیری نزدیک‌ترند و البته می‌توانند به نوعی استفاده‌امروزین این محلات را نهادینه نمایند.

برخی دیگر از شاخص‌ها بر اساس نظر اندیشمندان که کیفیت فضاهای عمومی را ارتقا می‌بخشد، عبارتند از: حس تعلق، تعامل، امنیت، رضایت‌مندی مسکونی، پویایی و ثبات، مشارکت، هویت، دسترسی به خدمات محلی، تنوع اجتماعی و قومی (جذب افراد و گروه‌های مختلف)، ترکیب اجتماعی و اقتصادی از ساکنان، تعادل، دسترسی به فضای سبز، وجود کاربری مختلط، دسترسی به خدمات و حمل‌ونقل عمومی و بازیافت و حضور پیاده در فضا، توسعه حمل و نقل عمومی، شبکه‌های پیاده بهتر و عریض‌تر، ایمنی بهتر، توسعه راهبرد روشنایی، خلق ارتباطات خوب و قابل دید (ارتقای لبه طبقه همکف). برای اثبات تعلق اجتماعی در محله سنتی که منجر به سکونت جمعی گشته، باید دنبال انواع تعلق بود که منجر به ریشه‌دار شدن در مکان شده است. تحقق تعلق جمعی در محله سنتی ناشی از تجربه متقابل نیروهای فیزیکی، هیجانی، اجتماعی بوده که در غالب سه نوع رابطه بیوگرافیکی (پیوند تاریخی و خانوادگی)، روحی-روانی (پیوند هیجانی خاطره‌ای) و اخلاقی (پیوند اخلاقی و اعتقادی) تعریف می‌شود (پیربایبی و سجاد زاده، ۱۳۹۰: ۲۱).



نمودار شماره ۱: شاخص‌های تعلق اجتماعی در محله سنتی

ساکنان محله سنتی بر اساس علائق، سوابق، مذهب، قومیت و فرهنگ خود، بدون توجه به طبقات اقتصادی و به منظور آسایش، امنیت و حمایت بیش‌تر گرد هم می‌آمدند و همبستگی اجتماعی-فرهنگی آن‌ها سبب ایجاد عامل روانی تعلق به محله بوده است (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۶: ۴). از نظر پایداری اجتماعی در محله‌ها گذشته بیش‌تر در جهت وجود همبستگی اجتماعی، تعاملات اجتماعی، ثبات اجتماعی، مشارکت اجتماعی و حس تعلق خاطر و مسئولیت‌پذیری قابل تعریف بود (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶).

معیارها و شاخص‌های پایداری اجتماعی در محله

در کشور ما نیز، با توجه به تجربه‌های گذشته و هم‌چنین نابسامانی حیات شهری (بخصوص کلان‌شهرها) در وضع موجود، برنامه‌ریزان و مدیران شهری ناگزیر از توجه به برنامه‌ریزی در مقیاس‌های خرد در قالب واحدها و سلول‌های شهری یعنی محله‌ها هستند. در این صورت است که می‌توان ابعاد مختلف زندگی شهری را به شکلی ملموس مورد بررسی قرار داد و با برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از منابع محلی به شاخص‌های توسعه پایدار شهری دست یافت. محله‌هایی که در پیوند با یکدیگر شهر را تشکیل می‌دهند. جا دارد مدیران کلان‌شهرهای کشور که با انبوهی از مشکلات گوناگون شهری از جمله بی‌هویتی، آسیب‌های اجتماعی، اغتشاشات کالبدی، اقتصادی، ... مواجهند، توجه به پایداری اجتماعی در سطح محله را به عنوان راهی به سوی توسعه شهری مد نظر قرار دهند (هادیزاده زرگر، ۱۳۹۱: ۲).

محله‌ها دارای یک سری عناصر شاخص هستند که باعث ایجاد تعاملات اجتماعی می‌شوند. مکان‌هایی برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعی شان هستند، که پرداختن به کیفیات آن‌ها سرزندگی شان را به حداکثر می‌رساند. در سال‌های اخیر، محیط کالبدی که در برخی شهرها ایجاد شده است، به طور عملی از مناسبات دوستانه شهروندان جلوگیری کرده و مردم را از تعاملات اجتماعی مناسب دلسرد نموده است. راه حل این مسأله از نظر اندیشمندان علوم اجتماعی، بازسازی این روابط با اتخاذ راهکارهایی مانند فراهم آوردن عرصه‌های تعامل است. هنگامی که در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری بتوان به گونه‌ای عمل کرد که مشوق حرکت پیاده در شهر شد، آنگاه حضورپذیری، سرزندگی، دیدن و دیده‌شدن به شهر برگشته و چنین کیفیت‌هایی باعث افزایش سطح تعاملات اجتماعی شده و فضای شهری و محله‌های وابسته به آن به تعریف و جایگاه واقعی خود بر خواهد گشت (رحیمی نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۵). از جمله شاخص‌های مؤثر پایداری اجتماعی در محله بر اساس نظر اندیشمندان می‌توان به مشارکت، میزان ارتباط و آشنایی با همسایگان، وجود حس تعلق نسبت به محله در ساکنان، میزان تحصیلات سرپرست خانوار و امنیت اشاره نمود (شکوهی و مرادی، ۱۳۹۱: ۱۰۰)، ثبات اجتماعی، مشارکت محله‌ای، امنیت، دسترسی به فرصت‌های شغلی، برخورداری بودن از امکانات مناسب و برآورده شدن نیازهای روانی و معنوی (ولیمز، ۱۳۸۳: ۱۸)، وجود سرزندگی، دسترسی به مسکن برای تمامی گروه‌های اجتماعی، ایجاد محیط‌های جذاب با کیفیت بالای زندگی و سطوح پایینی از جرم و رفتارهای غیر اجتماعی (مفیدی و مضطرزاده، ۱۳۹۳: ۶۸)، خوانایی، غنای حسی و رنگ تعلق که منجر به حس تعلق به مکان شده، حس تنوع و سرزندگی (جیکوینز، ۱۳۸۶: ۱۵۵) مشارکت اجتماعی (طهماسبی، ۱۳۸۰: ۵۸-۶۶)، احساس مسئولیت (Alta-

محله در شهرهای اسلامی همان مکان‌های تشکیل شبکه‌های اجتماعی‌اند و چنین ساختاری بیش از آن که تنها یک فضا باشند، یک تجربه‌اند (نقی زاده، ۱۳۸۷: ۱۴۵). پایداری اجتماعی در محله‌های اصیل سنتی گذشته بیش‌تر در جهت وجود همبستگی اجتماعی، تعاملات اجتماعی، ثبات اجتماعی، مشارکت اجتماعی و حس تعلق خاطر و مسئولیت‌پذیری قابل تعریف بود. پایداری کالبدی-اجتماعی در محله زمانی محقق می‌شود که ساکنان از زندگی در خانه و محله خود رضایت داشته باشند و از همسایگی و ماندگار شدن در محله خود لذت ببرند. در این حالت با گذشت زمان تعاملات اجتماعی و نیاز به انجام فعالیت‌های در محله بیش‌تر می‌شود و ساکنان نسبت به محله خود تعلق خاطر پیدا می‌کنند و در پی آن در نگهداری و بهبود وضعیت محله مشارکت خواهند کرد؛ این همان شاخص اصلی و دلیل پایداری یک محله خواهند بود (کلاتری خلیل آباد و درخشانی، ۱۳۹۳: ۴). با مروری بر پیشینه محله‌ها در شهرهای ایرانی دریافتیم که گرچه دسترسی‌هایی در مقیاس پیاده به امکانات محله، تاحدودی تعیین‌کننده محدوده محله است اما به‌طورکلی محدوده محله‌ها را بیش‌تر روابط اجتماعی تعیین می‌کرد. در این میان، مجموعه‌ای از عوامل محیطی، مناسبات معیشتی، آیین‌ها، مفاهیم اجتماعی و اعتقادی بر پایداری و تعلق اجتماعی در محله سنتی اثر می‌گذارد. شاخصه‌های فرهنگی اجتماعی محله‌های سنتی و کارکردهایی که محله به عنوان یک عرصه مسکونی در شهرهای ایرانی ایفا کرده است، توجه به نقش مفهوم سکونت در ساختار محله‌های اصیل سنتی گذشته، عامل مهمی در تحقق سکونت جمعی و ایجاد حس تعلق در محله بوده است که با مطالعات آن‌ها و بهره‌گیری از این تجربه‌ها می‌توان چارچوبی مناسب برای طراحی و برنامه‌ریزی مجتمع‌های مسکونی برای ارتقای تعلقات اجتماعی و کیفیت سکونت پیشنهاد داد (پیربابایی و سجاد زاده، ۱۳۹۰: ۱۸). انسان‌ها در سراسیمگی شهرهای امروز، به دنبال عرصه‌هایی با هویت‌های ویژه هستند تا علاوه بر تأمین آسایش و تعامل با هم‌نوعان، در بستر پویایی اجتماعی به کمال متعالی خود نایل شوند. رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس جدیدی از رشد شهری در طی دهه‌های اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های تازه‌ای چون افزایش نابهنجاری‌های اجتماعی، کم‌رنگ شدن هویت و حس تعلق اجتماعی و در مجموع کاهش کیفیت زندگی مواجهه شود (قبران و جعفری، ۱۳۹۱: ۵۸). در جامعه امروز شهری برای دست‌یابی به توسعه پایدار شهر، محله جایگاه ویژه‌ای دارد و بنیادی‌ترین عناصر شهری و حلقه میانجی بین شهر و شهروندان به شمار می‌رود (سرائی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۹).



از سپاهان شهر که محدوده‌ای بلوار غدیر را شامل می‌شود، مورد مطالعه قرار گرفته است. از اهداف اصلی احداث سپاهان شهر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: تمرکززدایی در اصفهان. تداوم رشد جمعیت در منطقه اصفهان. ممانعت از توسعه فیزیکی و انتقال بار افزایشی جمعیت به عهده شهرک‌های اقماری. متعادل ساختن جمعیت با تأکید بر شهرها و سکونت‌های جدید برای جذب جمعیت (عمادی، ۱۳۹۰: ۸۵). طرح این شهرک‌های جدید فرصت ارزشمندی برای تحقق مطالعات علمی روی زندگی و فرهنگ جدید مورد نیاز مردم بوده است و خطاهای رخ داده در این زمینه به از دست دادن سرمایه فرهنگی و اجتماعی می‌انجامد.

۲. محله جلفا: جلفای اصفهان در طول تاریخ خود، بارها گسترش یافته، بویژه در عصر صفویه و در سال‌های ۱۶۱۸، ۱۶۳۰ و ۱۶۵۵ میلادی. معماری جالب تلفیقی از آن ویژگی محله‌ها و شهرهای ارمنی و اصفهانی است که هر دو در پهنه عظیم ایران

8: (man, 1992)، نظارت اجتماعی (ویلیامز، ۱۳۸۳: ۱۸۹)، عدالت اجتماعی (ساجدی، ۱۳۸۹: ۳)، رضایت مندی و امنیت اجتماعی (ساروخانی، ۱۳۸۷: ۱۱) اشاره نمود.

به منظور ارزیابی پایداری اجتماعی در محله، مجموعه‌ای از شاخص‌های معتبر مورد استفاده در سطوح ملی و بین‌المللی در جدول شماره ۴ تنظیم گردیده است.

ارزیابی و مقایسه اجتماع پذیری دو منطقه مورد مطالعه

محدوده‌های مورد مطالعه، بخشی از دو محله سپاهان شهر و جلفا هستند.

۱. سپاهان شهر: شهر جدید سپاهان شهر در فاصله ۸ کیلومتری جنوب شهر اصفهان در انتهای محدوده قانونی شهر و در جنوب شهر قرار گرفته است. این شهرک شطرنجی در ۲۰ سال اخیر ساخته شده و جز جدیدترین مناطق اصفهان است. در این مقاله بخشی

جدول شماره ۴: شاخص‌ها و زیر شاخص‌های پایداری اجتماعی در محله بر اساس نظریه‌های موجود و تجربه‌های جهانی

شاخص‌های پایداری اجتماعی	زیر شاخص‌ها	روش تحقق شاخص‌ها بر اساس نظر اندیشمندان
شاخص کالبدی- فضایی	وجود فضاهای عمومی	فضاهای کانونی برای تجمع افراد (PPS,2000:2)، وجود آثار مذهبی، میراث فرهنگی- تاریخی، مراکز گردشگری در محله (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۷).
	اختلاط و تنوع کاربری	استفاده از کاربری‌های مختلط و چندمنظوره در سطح محله (علیزاده و دیگران ۱۳۹۳: ۷۷).
	کیفیت زیست محیطی محله	نظارت و پاکیزگی محله، فضای سبز موجود در محله (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۰).
	تشویق به توقف و مکث	فرصت‌های کالبدی مناسب برای نشستن، مکث و تامل بیش تر در فضا (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۳)
	زیبایی شناسی (زیبایی بصری و نگهداری و مراقبت از فضا)	ارزش‌های زیباشناسانه مکان، پیش‌بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی‌شناسانه آن دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۴).
	مقیاس انسانی	تناسبات همگن ساختمان‌ها در مقیاس اجزای تشکیل دهنده بدنه‌ها، تناسبات همگن ساختمان‌ها در مقیاس انسانی (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۷).
	ایمنی و امنیت	کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده (PPS,2000:8) سطوح پایین جرم و رفتارهای غیر اجتماعی (مفیدی و مضطرزاده، ۱۳۹۳: ۶۸).
	دستیابی به خدمات شهری	دسترسی مناسب به سایر نقاط محله (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۹). ارتباط با سیستم حمل و نقل شهری (PPS,2000:8).
	سرزندگی	سرزندگی (مفیدی و مضطرزاده، ۱۳۹۳: ۶۸)، مرکز محله فعال.
	خوانایی و تناسب	خوانایی و قابل پیش‌بینی بودن فضا (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۳)، محیط خوانا (مفیدی و مضطرزاده، ۱۳۹۳: ۶۸).
شاخص فرهنگی- اجتماعی	امنیت و آمادگی فرهنگ عمومی برای هم‌صحبتی دوستانه در سطوح مختلف	میزان تمایل به عضویت در تشکل‌های اجتماع، امکان گفتگو، مشورت با افراد ساکن در محله (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۸).
	سطح ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی در منطقه	کاهش فقر و کاهش اختلافات طبقاتی (شهبان و پیرایه گر، ۱۳۹۲: ۳۶۶).
	حضور تمامی اقشار جامعه در فضاهای عمومی	حضور زنان و کودکان در سطح محله، حضور فعال و سرزنده ساکنان در داخل بافت (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۸).
شاخص انسانی	عوامل روانی- اجتماعی استفاده کنندگان	شرکت داوطلبانه مردم در برنامه‌های عمومی، سابقه سکونت در محله (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۷).
	نزدیکی سطح تحصیلاتی و جایگاه اجتماعی ساکنین.	ترکیب اجتماعی اقتصادی ساکنان (شهبان و پیرایه گر، ۱۳۹۲: ۳۶۵).
	نظارت اجتماعی	امنیت در ساعات پابانی شب و آگاهی از ورود غریبه، سطوح پایین جرم و رفتارهای غیر اجتماعی (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۰).

آلفای کرونباخ بین ۰ تا ۱ در نوسان است، و هر چقدر به سمت ۱ میل کند یا نزدیک شود هماهنگی درونی متغیرها مورد نظر است و وسیله اندازه‌گیری نیز به همان نسبت دارای روایی بالا خواهد بود. آلفای کرونباخ به دست آمده از ۴۱ سؤال پرسش‌نامه در محله سپاهان‌شهر معادل ۰.۹۰۵ و در محله جلفا معادل ۰.۷۱۵ می‌باشد که نشان دهنده پایایی بالای پرسش‌نامه است.

میانگین امتیاز خبرگان در مورد تأثیر هر یک از زیر شاخص‌های اجتماع‌پذیری در هر محله سنتی و جدید

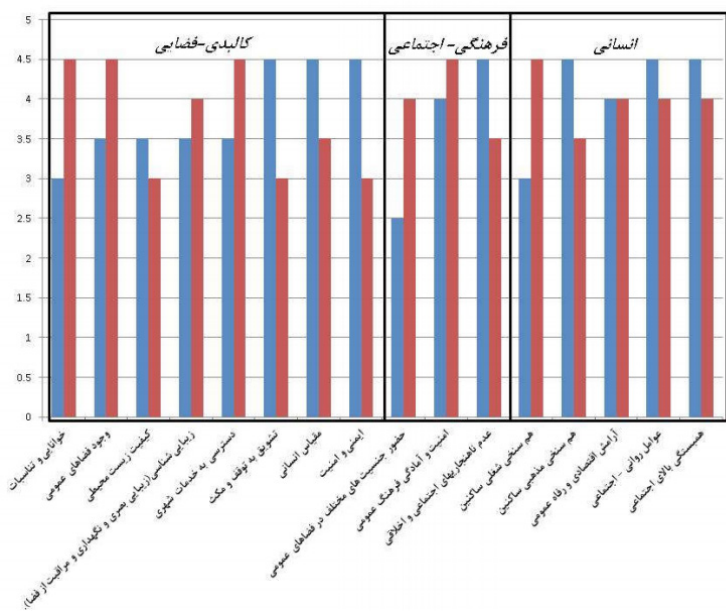
بر اساس نظرات خبرگان در مورد تأثیر شاخص‌ها در اجتماع‌پذیری، که در نمودار شماره ۲ ارائه شده، می‌توان به این نتیجه دست یافت که هر یک از زیر شاخص‌ها و به‌طور کلی شاخص‌های مورد بحث، تأثیر متفاوتی در اجتماع‌پذیری هر محله (سنتی یا جدید) دارند.

طبق نظر خبرگان از مجموع زیر شاخص‌های مربوط به شاخص کالبدی-فضایی، در محله سنتی تأثیر زیرشاخص‌های ایمنی و امنیت، مقیاس انسانی و تشویق به توقف و مکث دارای امتیاز مساوی ۴٫۵ بوده و بیشترین تأثیر را دارند. پس از این سه شاخص زیر شاخص‌های دسترسی به خدمات شهری، زیبایی‌شناسی، کیفیت زیست‌محیطی و وجود فضاهای عمومی نیز دارای امتیاز مساوی ۳٫۵ و در درجه سوم تأثیرگذاری زیر شاخص‌های خوانایی و تناسب در نظر خبرگان دارای کمترین تأثیر ۳ در این شاخص است. از طرف دیگر در محله جدید، زیر شاخص‌های خوانایی و تناسب، دسترسی به خدمات شهری و وجود فضاهای عمومی امتیاز ۴٫۵ به دست آمد که بیشترین تأثیرپذیری را در این شاخص دارند. پس از آن زیبایی‌شناسی ۴،

کهن، در تطبیق با اوضاع اقلیمی و مصالح ساختمانی محلی و موازین و شرایط فرهنگی معماری عصر صفویه است. به عبارت دیگر معماری ارمنستان، که بدون شک تحت تأثیر شرایط محلی و در مقطعی نیز زیر تأثیر امپراتوری بیزانس و روسیه بوده، در اوج نبوغ معماری ایرانیان، یعنی در مکتب صفوی در جلفا جلوه‌گر شد و در شهرسازی، بناهای مسکونی، بازارها، کارگاه‌ها و به‌ویژه کلیساهای زیبای جلفا خود را نمایان ساخت و سپس در قالب مکتب معماری جدیدی حتی به سرزمین مادری ارمنیان-ارمنستان انتقال یافت (اصانلو، ۱۳۹۱: ۸۹) و به همین جهت تمایز و تفاوت بارزی با محله‌های سنتی آن دوره نداشته و به خوبی می‌تواند مصداقی ارزشمند از محله و شهر آن دوره به حساب آید. این محله ساختار اجتماعی، فرهنگی و کالبدی خود را حفظ کرده است و از طرفی این محله در مسیر گردشگری شهر اصفهان واقع شده که این عوامل سبب بروز و ظهور الگوی رفتاری متمایز در رفتارهای اجتماعی شده است. تاریخ شکل‌گیری محله جلفای اصفهان هم زمان با اوج توسعه مکتب اصفهان در معماری و شهرسازی است، از این رو از تمامی ویژگی‌های مکتب اصفهان برخوردار است که شامل: اصل سلسه مراتب، اصل کثرت، اصل وحدت، اصل تمرکز، اصل توازن، اصل تداوم، اصل قلمرو، اصل سادگی، اصل پیچیدگی، اصل ترکیب، اصل استقرار، اصل زمان و اصل ایجاز است (حبیبی، ۱۳۸۵: ۴۵). تقابل سنت و مدرن اگر چه سبب فاصله گرفتن مجموعه از ارزش‌های سنتی شده، ولی شاکله اصلی و منظومه فرهنگی و اجتماعی محله هم‌چنان قابل مشاهده است؛ و این ویژگی منحصربه‌فرد سبب شده محله جلفا به عنوان نماینده یکی از محله‌های سنتی شهر اصفهان برای بررسی مؤلفه‌های تاثیرگذار بر ارتقای تعاملات اجتماعی انتخاب شود. در این مقاله جلفای قدیم مورد مطالعه قرار گرفته است.

تدوین شاخص‌های نهایی اجتماع‌پذیری و سنجش پایایی و روایی

به منظور رواسازی پرسشنامه و پاسخ به این سوال که پرسشنامه واقعاً آن‌چه را که برای آن مطرح شده است، می‌سنجد یا نه، از دو روش روایی محتوا و روایی سازه استفاده شد. در اعتبار محتوا، بر اساس ادبیات نظری و هم‌چنین تأیید ۳ نفر از اساتید قرار گرفت. در این مقاله برای روایی ابزار سنجش از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. دلیل استفاده از این روش، انطباق آن در سنجش روایی پرسشنامه‌هایی است که بر اساس طیف لیکرت طراحی شده‌اند (شهابیان و پیرایه گر، ۱۳۹۲-۳۶۸) و پرسشنامه مدنظر مقاله را در بر می‌گیرد. مقدار



نمودار شماره ۲: میانگین امتیاز خبرگان در مورد تأثیر هر یک از زیر شاخص‌های اجتماع‌پذیری در محله سنتی و جدید؛ مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

مربوط به شاخص‌های انسانی و فرهنگی اجتماعی همان‌طور که انتظار می‌رفت، امتیازی بیش از محله سپاهان شهر کسب نموده‌اند.

چالش‌های پیش‌رو در محله جلفا

نظام کالبدی- فضایی: در شرایط کنونی، گذرهای تاریخی جلفا به پارکینگ و عرصه تجمع اتومبیل تبدیل شده و به واسطه عبور و مرور مکرر خودروها، کف‌سازی معابر که با هدف عبور و مرور پیاده انجام گرفته‌است تحت تأثیر فشار ناشی از تردد سنگین خودروها، فرسوده شده و روبه نابودی است. در میدان جلفا به دلیل عدم تجهیز میدان به مبلمان شهری مناسب این میدان کمتر به مفهوم فضای مکث یا محل تجلی ارتباطات به شمار می‌آید. یکی از ویژگی‌های متمایزکننده محوطه‌های تاریخی، تداوم و استمرار عملکرد در پیاده‌روها و شکل‌گیری فضاهای فعال و جاذب شهری است، که در این محدوده با وجود پیاده‌روهای نسبتاً عریض، قسمتی و یا تمام عملکرد و فعالیت رستوران‌ها و اغذیه‌فروشی‌ها در فصول مناسب به پیاده‌روها منتقل می‌شود که این وضعیت جالب نیست (سهرابی و اکبری، ۱۳۸۴: ۵۴). اگر ساخت‌وساز بی‌رویه در این محله هم چنان تداوم یابد در دهه‌های آتی، جلفا از درون متلاشی می‌شود و در میان انبوهی از ساختمان‌های بلند بر جای خواهد ماند. کم‌رنگ شدن الگوهای معماری ارمنی در بافت در پی عدم توجه به آن در ساخت و سازهای جدید.

نظام فرهنگی- اجتماعی: افزایش مهاجرت ساکنان غیر بومی و کاهش انسجام فرهنگی بافت در نتیجه سطح بالای کیفیت زندگی. عدم تعریف عملکردهای نشانگر فرهنگ بومی محله جلفا به ویژه رد فضاهای درون بافت.

چالش‌های پیش‌رو در محله سپاهان شهر

نظام کالبدی- فضایی: تعداد زیاد واحدهای مسکونی در هر واحد همسایگی به خصوص آپارتمانی که باعث کاهش حس تعلق و تعاملات ساکنان می‌شود. تأثیر منفی ساختمان‌های در حال ساخت و زمین‌های خاکی در منظر سپاهان شهر. خاکی بودن و نامناسب بودن چمن کاری بعضی از فضاهای میان واحدهای همسایگی و در نظر نگرفتن مبلمان شهری مثل نیمکت و آب‌نما در این فضاها و هم چنین زیاد بودن و انبوه درختکاری و نداشتن تجهیزات و امکانات رفاهی برای ساکنان بویژه کودکان در این فضاها و تاریکی نسبی و روشنایی ناکافی، باعث عدم وجود حس تعلق ساکنین به این فضاها می‌شود و فرصت گفتگو و تعامل اجتماعی برای ساکنین فراهم نمی‌گردد.

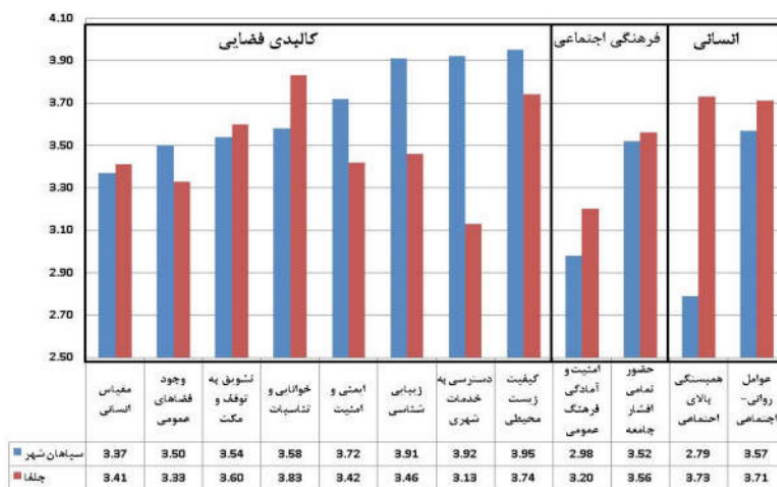
مقیاس انسانی (۳،۵) و ایمنی و امنیت، تشویق به توقف و مکث و کیفیت زیست‌محیطی (۳) به ترتیب تأثیرگذاری کمتری بر شاخص کالبدی- فضایی دارند.

از مجموع زیر شاخص‌های مربوط به شاخص فرهنگی- اجتماعی در محله سنتی، عدم ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی دارای بیش‌ترین امتیاز و پس از آن به ترتیب امنیت و آمادگی فرهنگ عمومی و حضور تمامی اقشار جامعه در فضای عمومی تأثیرپذیری کمتری دارند. از سوی دیگر در محله جدید، امنیت و آمادگی فرهنگ عمومی بیش‌ترین تأثیر و حضور تمامی اقشار جامعه در فضای عمومی و نبود ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی در اولویت بعدی قرار گیرند.

از مجموع زیر شاخص‌های مربوط به شاخص انسانی در محله سنتی، عوامل روانی- اجتماعی استفاده‌کنندگان و همبستگی بالایی اجتماعی دارای امتیازی مساوی ۴،۵ بوده و پس از آن آرامش و رفاه اقتصادی در درجه دوم اهمیت قرار دارد. در محله جدید هم سطح شغلی ساکنان در اولویت و پس از آن سایر زیر شاخص‌های مؤثر شامل عوامل روانی اجتماعی ساکنان، همبستگی بالایی اجتماعی و آرامش اقتصادی با امتیاز مساوی (۴ امتیاز) در اولویت بعدی شاخص انسانی قرار دارند.

مقایسه نمونه‌های موردی

نمره نهایی هر شاخص در محله‌های مورد مطالعه با میانگین‌گیری از امتیاز اختصاص یافته توسط ساکنان به هر شاخص محاسبه و در نمودار شماره ۳ به نمایش در آمده است. این نمودار به سه شاخص اصلی دسته‌بندی و بر اساس نمرات کسب‌شده محله‌های سپاهان شهر مرتب شده است. در شاخص کالبدی فضایی سه معیار مقیاس انسانی، تشویق به توقف و مکث و خوانایی و تناسبات محله جلفا بالاتری نسبت به محله سپاهان شهر کسب کرده‌اند. هم چنین در این محله معیارهای



نمودار شماره ۳: نمرات اکتسابی هر محله از شاخص‌های اجتماع‌پذیری مد نظر ساکنان؛ مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

شاخص انسانی: نبود انجمن ها و گروه های محلی برای افزایش تعاملات و همکاری.

ضرب همبستگی پیرسون برای تعیین میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته اجتماع پذیر محاسبه و در جدول فوق ارائه شده است. با توجه به این که معیار معناداری در محاسبه ضرب پیرسون عدد ۰٫۰۵ است، مشاهده می شود که در محاسبات انجام شده این عدد برای متغیرهای مستقل کمتر از ۰٫۰۵ بوده و رابطه معناداری بین زیرشاخص ها (متغیرهای مستقل) و متغیر وابسته وجود دارد. در مورد محله جلفا تشویق به توقف و مکث و خوانایی و تناسبات از زیرشاخص کالبدی- فضایی و امنیت و آمادگی فرهنگی عمومی برای هم صحبتی دوستانه در سطوح مختلف از زیر شاخص فرهنگی- اجتماعی و در نهایت عوامل روانی- اجتماعی استفاده کنندگان از زیر شاخص انسانی، و در مورد محله سپاهان شهر دسترسی به خدمات شهری از زیر شاخص کالبدی- فضایی و حضور تمامی اقشار جامعه در فضاها عمومی از زیر شاخص فرهنگی- اجتماعی و در نهایت نزدیکی سطح تحصیلاتی و جایگاه اجتماعی ساکنان از زیر شاخص انسانی سهم بیش تری را در بین ساکنان محله ها به خود اختصاص داده اند.

سنجش ضرب همبستگی متغیر مستقل و وابسته تحقیق
برای سنجش ضرب همبستگی دو دسته متغیرهای تحقیق، ابتدا گویه هایی را که مربوط به هر یک از دو متغیر است، با هم جمع می کنیم در این حالت نمره کمی برای هر متغیر به دست می آید (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۴). برای بررسی رابطه بین این دو متغیر از ضرب همبستگی در جدول شماره ۷، مقادیر مربوط به ضرب همبستگی پیرسون بین صفر تا یک قرار دارد. لذا رابطه معنادار مستقیمی بین متغیرها وجود دارد. هرچه این مقادیر به صفر نزدیک تر باشد وابستگی متغیرها کمتر شده و هرچه این متغیرهای به یک نزدیک تر شوند شدت وابستگی متغیرها بیش تر می شود. اولویت دهی معیارهای اجتماع پذیری در محله با توجه به میزان همبستگی آن ها با مفهوم پایداری اجتماعی با استفاده از ضرب همبستگی پیرسون در نمودار شماره ۲ قابل مشاهده است. بدین ترتیب میران اجتماع پذیری در سطح هر محله به ترتیب به معیارهای زیر براساس امتیاز وابسته است.

جدول شماره ۵: نقاط قوت محله سپاهان شهر و جلفا در معیارهای اجتماع پذیری

معیار	زیر معیارها	نقاط قوت هر محله
شاخص کالبدی- فضایی	ایمنی و امنیت	نقطه قوت سپاهان شهر: رعایت سلسله مراتب و درجه بندی مناسب معابر، جلوگیری از ورود اتومبیل به درون فضاها باز و سبز میان واحدهای همسایگی، از طریق مسدود کردن انتهای معابر برای سواره. اختصاص پیاده رویهای نسبتاً مناسب و نیز امنیت کافی به علت وجود کاربری های شبانه در منطقه مورد مطالعه (بلوار غدیر) (عمادی، ۱۳۹۰: ۱۱۱).
	وجود فضاها عمومی	نقطه قوت جلفا: کنترل سرعت سواره و آرام سازی معابر.
	خوانایی و تناسب	نقطه قوت جلفا: وجود میدانچه ها (میدان جلفا) و عرصه های عمومی شهری در طول محورهای درون محلی.
	زیبایی شناسی	نقطه قوت جلفا: وجود گنبدها و برج های ناقوس کلیساها که به دلیل ارتفاع بیش تر نسبت به ساختمان های اطراف، به طور کامل قابل دید است. توالی در قرارگیری نشانه های شهری به لحاظ طبیعی و مصنوعی.
	دسترسی به خدمات شهری	نقطه قوت سپاهان شهر: استفاده از پوشش گیاهی و درختان نسبتاً متنوع در سپاهان شهر. به وجود الگوهای متنوع، بلوک ها و قطعات مسکونی. ایجاد ترکیب های نسبتاً متنوعی از توده و فضا.
	افزایش کیفیت زیست محیطی	نقطه قوت جلفا: اختلاط کاربری ها در محله و پخش کاربری های تجاری - خدماتی در بلوار غدیر.
	ارتقا امنیت و آمادگی فرهنگی عمومی	نقطه قوت سپاهان شهر: استفاده از درختان سایه انداز در فضاها عمومی و معابر تامین نسبت مناسب کاربری های مختلف، اختصاص حدود ۱۸٪ از زمین های محله به فضای سبز. جهت گیری شمالی جنوبی اکثر قطعات آپارتمانی و ویلایی برای بهره گیری بهتر از نور خورشید.
شاخص فرهنگی- اجتماعی	ارتقا امنیت و آمادگی فرهنگی عمومی	نقطه قوت جلفا: شناخت شهروندان نسبت به یکدیگر.
	حضور تمامی اقشار جامعه	نقطه قوت جلفا: وجود باتوق ها و قرارگاه های رفتاری در محله. وجود الگوهای معماری ارمنی همچون کلیسا و مدرسه و منازل ارمنی درون بافت که میتوان از آنها جهت تقویت منظر فرهنگی جلفا استفاده کرد. وجود نشانه ها و نمادهای مذهبی ارمنه همچون درخت کریسمس و و بابا نونل و غیره در اعیاد مذهبی مسیحی درون محله موجب تقویت ویژگی فرهنگی محله می شود.
شاخص انسانی	ارتقا همبستگی اجتماعی	نقطه قوت جلفا: سکونت ارمنی های مسیحی و گفتگوی افراد به زبان ارمنی. وجود مراکز محله ای قوی و حضور ترده ارمنه با فرهنگ و آداب و رسوم خاص.

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵



جدول شماره ۶: نقاط ضعف محله سپاهان شهر و جلفا در معیارهای اجتماع پذیری

معیار	زیر معیارها	نقاط ضعف هر محله
شاخص کالبدی-فضایی	ایمنی و امنیت	نقطه ضعف سپاهان شهر: عدم امنیت بخصوص کودکان به علت سرعت زیاد سواره در معابر درجه دوم و سوم.
	وجود فضاهای عمومی	نقطه ضعف جلفا: تراکم پارک اتومبیل در معابر، بخصوص معابر فرعی و بن‌بست‌ها که مانع فعالیت‌های آزادانه ساکنین در این فضاها می‌شود (عدم وجود پارکینگ‌های عمومی).
	خوانایی و تناسب	نقطه ضعف سپاهان شهر: فرم قالب محله بر اساس اتومبیل طراحی و مقیاس‌های انسانی در آن نادیده گرفته شده است (مهدیزاده و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۶).
	زیبایی‌شناسی	نقطه ضعف سپاهان شهر: خاکی بودن و نامناسب بودن چمن‌کاری بعضی از فضاهای میان واحدهای همسایگی و در نظر نگرفتن مبلمان شهری مثل نیمکت و آب‌نما در این فضاها.
	دسترسی به خدمات شهری	نقطه ضعف سپاهان شهر: کامل نبودن و خاکی بودن بخشی از پارک محله.
	افزایش کیفیت زیست محیطی	نقطه ضعف جلفا: کمبود فضای سبز در محله.
شاخص فرهنگی-اجتماعی	ارتقا امنیت و آمادگی فرهنگ عمومی	نقطه ضعف سپاهان شهر: بیگانگی شهروندان نسبت به یکدیگر.
	حضور تمامی اقشار جامعه	نقطه ضعف سپاهان شهر: تفاوت ارزش‌های فرهنگی ساکنان.
شاخص انسانی	ارتقا همبستگی اجتماعی	نقطه ضعف سپاهان شهر: امکان شکل‌گیری خاطره و رخداد وقایع در محله به علت عدم سابقه طولانی سکونت و نیز عدم شرکت داوطلبانه مردم در فعالیت‌های اجتماعی، ضعیف است.

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

جدول شماره ۷: نتایج ضریب همبستگی بین اجتماع‌پذیری و متغیرهای مستقل

زیر شاخص‌های اجتماع‌پذیری محله	سپاهان شهر	جلفا	sig	sig
وجود فضاهای عمومی	۰,۵۰۶	۰,۳۲۱	۰,۰۰۱	۰,۰۴۱
دسترسی به خدمات شهری	۰,۷۰۱	۰,۳۶۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۲
کیفیت زیست محیطی	۰,۶۴۶	۰,۴۰۵	۰,۰۰۰	۰,۰۰۹
زیبایی‌شناسی (زیبایی بصری و نگهداری و مراقبت از فضا).	۰,۵۴۳	۰,۴۲۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۶
خوانایی و تناسب	۰,۶۷۹	۰,۵۳۹	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
مقیاس انسانی	۰,۶۴۷	۰,۵۴۴	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
تشویق به توقف و مکث	۰,۶۷۷	۰,۵۸۳	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
ایمنی و امنیت	۰,۵۷۳	۰,۶۰۸	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
حضور تمامی اقشار جامعه در فضای عمومی	۰,۶۹۶	۰,۴۱۸	۰,۰۰۰	۰,۰۰۲
امنیت و آمادگی فرهنگ عمومی	۰,۶۲۰	۰,۴۹۷	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱
همبستگی بالای اجتماعی	۰,۶۵۲	۰,۴۱۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۸
عوامل روانی-اجتماعی	۰,۵۴۴	۰,۵۲۸	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰

جدول شماره ۸: مقایسه اجتماع‌پذیری دو محله سپاهان شهر و جلفا

نظرات ساکنان	نظرات خبرگان		شاخص کالبدی-فضایی
	جدید	سنتی	
محله سپاهان شهر	۳,۴۹	۳,۷۵	۳,۶۹
محله جلفا	۳,۳۸	۴,۰۰	۳,۲۵
شاخص فرهنگی-اجتماعی	۳,۳۸	۴,۰۰	۳,۲۵
شاخص انسانی	۳,۷۲	۴,۱۰	۳,۱۸

تأثیر شاخص‌های مختلف در اجتماع‌پذیری محله‌ها با در نظر گرفتن نظر خبرگان و امتیاز اختصاص یافته از نظرات ساکنین در مورد محل سکونت شان

با ارزیابی نظرات خبرگان در مورد امتیاز هر شاخص در اجتماع‌پذیری محله سنتی و جدید نمودار ۴، میانگین امتیاز اختصاص یافته از سوی ایشان به عنوان ضریب اهمیت هر شاخص در اجتماع‌پذیری در نظر گرفته شد، امتیاز اختصاص یافته توسط ساکنان در شاخص‌های مورد بحث در محله ایشان نمودار شماره ۵، در ضریب اهمیت ضرب شده و مقدار آن نرمال گردید و به عنوان شاخص‌های اصلی اجتماع‌پذیری در نمودار شماره ۶ ارائه شده است.

تا حدودی سنتی تر و در شاخص‌های کالبدی تا حدودی تجدد دوست‌تر است. تأثیر عوامل و پارامترهای مرتبط با شاخص کالبدی-فضایی بیش از محله جدید است و می‌توان با تمرکز بر عوامل تاثیرگذار بر این شاخص، اجتماع‌پذیری محله را ارتقا بخشید و محله سنتی را احیا نمود.

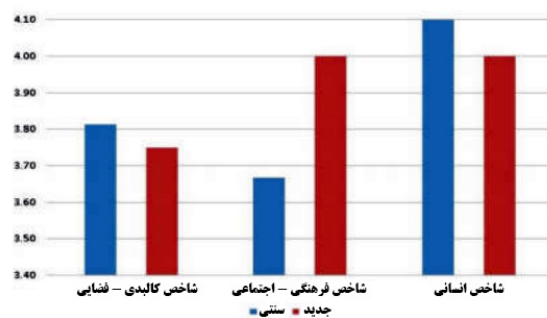
در خصوص شاخص فرهنگی-اجتماعی، خبرگان معتقدند اهمیت این شاخص در محله جدید بیش از محله سنتی است چرا که پارامترهای تاثیرگذار بر این شاخص از گذشته در محله‌های سنتی وجود داشته و کماکان نیز قابل مشاهده است ولی لازم است با الگوگیری از محله‌های سنتی نسبت به ارتقای این شاخص در محلات جدید اقدام شود.

شاخص انسانی مورد بحث طبق نظر خبرگان تاثیرگذاری بیش‌تری بر اجتماع‌پذیری در محله سنتی دارد. خبرگان معتقدند زیر شاخص‌هایی نظیر همسنخی شغلی و مذهبی ساکنان، همبستگی بالای اجتماعی و هم‌چنین عوامل روانی اجتماعی (سابقه سکونت و...) در محله سنتی بیش از محله جدید تحقق می‌یابد و می‌تواند در اجتماع‌پذیری نقش پررنگ‌تری داشته باشد.

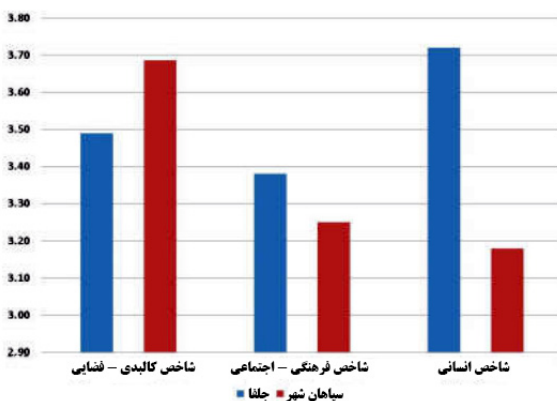
در قسمتی از پرسشنامه نسبت به اخذ نظر ساکنان در مورد تحقق شاخص‌های اجتماع‌پذیری در محله ایده‌آل سنتی و جدید اقدام شد. پاسخ‌های این قسمت به صورت دو گزینه‌ای ایده‌آل جدید و ایده‌آل سنتی در نظر گرفته شد. نمودارهای ۷ و ۸ نشان‌دهنده درصد پاسخ ساکنان هر محله به زیر شاخص‌های ارائه شده در نمودار است.

همان‌گونه که از نمودارهای ۷ و ۸ بر می‌آید ساکنان هر دو محله معتقدند که شاخص انسانی و فرهنگی-اجتماعی در مرحله ایده‌آل سنتی محقق می‌شوند به جز زیرشاخص عدم ناهنجاری اجتماعی که نشان می‌دهد ناهنجاری‌های اجتماعی در محله سنتی بیش از محله جدید قابل مشاهده است. در نقطه مقابل، در شاخص کالبدی-فضایی سهم محله ایده‌آل جدید در تحقق زیر شاخص‌های بیش‌تر از محله سنتی است مگر در زیر شاخص‌های تشویق به توقف و مکث و خوانایی و تناسب که پاسخ‌های ساکنان هر دو محله نشان می‌دهد که این دو زیر شاخص نیز در محله سنتی تحقق پذیرترند.

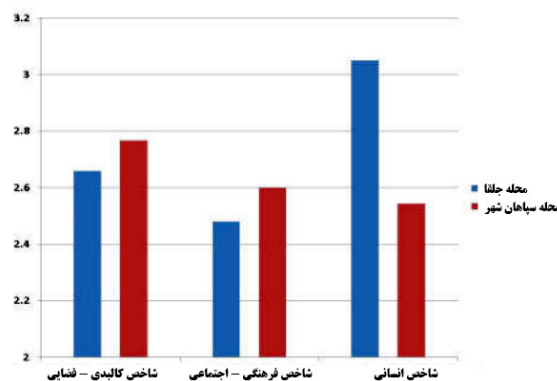
براساس پاسخ ساکنان به پرسش کدام محله را برای سکونت دوست دارید؟ در پرسش‌نامه، نتایج به دست آمده در جدول شماره ۹ به نمایش در آمده است. نتایج حاکی از آن است اغلب ساکنان محله سپاهان شهرترجیح می‌دهند که در محله ایده‌آل جدید سکونت داشته باشند، پاسخ بیش از نیمی از ساکنان محله جلفا انتخاب محله ایده‌آل جدید از جانب ایشان را نشان می‌دهد در نقطه مقابل چنانچه انتظارات ساکنان در محله جدید برآورده شود تمایل به سکونت در آن محله را نیز دارند. این مسأله نشان از ضرورت توجه به شیوه‌های جدید و کالبد متناسب با آن برای هر دو محله است.



نمودار شماره ۴: میانگین شاخص‌های اجتماع‌پذیری در محله سنتی و جدید از دیدگاه خبرگان



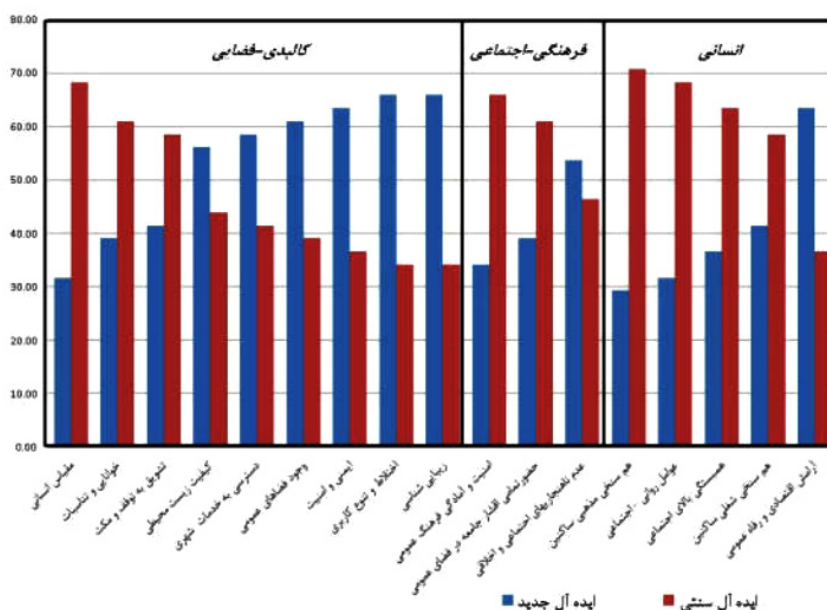
نمودار شماره ۵: مقایسه اجتماع‌پذیری دو محله از دیدگاه ساکنان



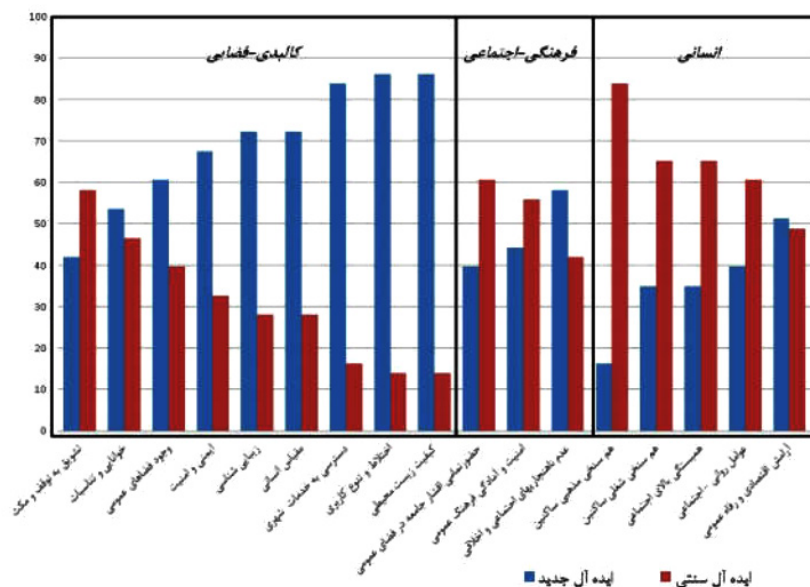
نمودار شماره ۶: اجتماع‌پذیری محلات با در نظر گرفتن نظرات خبرگان و امتیاز اختصاص یافته از نظرات ساکنان در مورد محل سکونت‌شان

در نتیجه تحلیل نظرات خبرگان در خصوص اهمیت شاخص‌های مختلف در اجتماع‌پذیری محلات سنتی و جدید نتایج زیر حاصل می‌گردد:

تقابل و تفاوت سنت و تجدد در حوزه انسانی جدی‌تر از آن است که خبرگان می‌پندارند. در واقعیت بر خلاف خبرگان جامعه از نظر فرهنگی اجتماعی با شاخص‌های سنتی‌تر و در شاخص‌های کالبدی فضایی متجددتر عمل کرده است. خبرگان گمان می‌کنند که جامعه در مبانی نظری و ساختار کالبدی تا حدودی سنتی‌تر و در فرهنگ رفتاری متجددتر است در صورتی که مصادیق نشان داد جامعه در مبانی حتی در فرهنگ رفتاری



نمودار شماره ۷: نظر ساکنان محله جلفا در مورد تحقق شاخص‌های اجتماع‌پذیری در محله ایده‌آل سنتی و جدید



نمودار شماره ۸: نظر ساکنان محله سپاهان‌شهر در مورد تحقق شاخص‌های اجتماع‌پذیری در محله ایده‌آل سنتی و جدید

سلول‌های اصلی زندگی اجتماعی مردم به حساب می‌آیند، توجه به جنبه‌های اجتماع‌پذیری محلات اجتناب‌ناپذیر است. از این رو، مؤلفه‌های مؤثر در اجتماع‌پذیری محله‌ها، از دیدگاه‌ها و نظریه‌های استخراج و در محله‌های مورد مطالعه بررسی گردید. در این مورد نگرش و برداشت ساکنان از عوامل تاثیرگذار در اجتماع‌پذیری به منظور سامان‌دهی وضع موجود و تدوین راه کارهای و راهبردهای مناسب در ارتقا اجتماع‌پذیری حائز اهمیت است.

محلات سنتی و جدید در فرهنگ امروز ایران نمی‌توانند شرایط مطلوب اجتماع‌پذیری را فراهم آورند. لازم است در محله‌های سنتی تمهیدات جدید و در محله‌های جدید تمهیدات سنتی را تقویت نمود. با این حال محله‌های جدید با توجه به بافت متجدد، خواهان تجدد بیش‌تری هستند.

جدول شماره ۹: پاسخ ساکنین هر محله نسبت به پرسش برای سکونت بیش‌تر کدام محله را دوست دارید؟ سنتی یا جدید

محل	محل سنتی	محل جدید	کل
سپاهان شهر	٪۱۸،۶۰	٪۸۱،۴۰	٪۱۰۰
جلفا	٪۵۶	٪۴۴	٪۱۰۰

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه بررسی شد می‌توان گفت حیات محله چه در حال و چه در تداوم آن در طول تاریخ بسته به حضور آدمی و ارتباط کنش‌مند او با محیط دارد. در این عرصه محله‌ای پاسخ‌گو خواهد بود که نیاز انسان به حضور در فضای محله برای گذراندن اوقات فراغت، گردش، خرید، استراحت و ... را محقق سازد. لذا با توجه به پیچیدگی مسائل شهری دوران معاصر و این که محله‌ها به عنوان

در محله سنتی، شامل افزایش ایمنی و امنیت، با اقداماتی نظیر تفکیک عبور سواره و پیاده، ایجاد پارکینگ‌های درون محله‌ای و کاهش قهوه‌خانه‌های متعدد در مسیرهای اصلی هستند. به منظور افزایش زیبایی‌شناسی به عنوان راهبردی دیگر در ارتقای این شاخص، نماسازی بر اساس معماری سنتی و استفاده از مصالح بومی و تبدیل فضاهای متروکه حاشیه مسیر به کاربری‌های مورد نیاز محله، توصیه می‌شود.

اقدامات اجرایی پیشنهادی برای بهبود فضاهای عمومی شامل بازنمایی و احیای هویت تاریخی و فرهنگی در کل محله و توجه ویژه حول مراکز توریستی از جمله کلیساها و نیز تبدیل خانه‌های سنتی به مراکز فرهنگی-اجتماعی است. با ایجاد فضاهای سبز و جمعی در طول مسیرهای اصلی، می‌توان کیفیت زیست‌محیطی را به عنوان راهبردی دیگر در ارتقای شاخص کالبدی-فضایی این محله ارتقا بخشید. در جهت ارتقای شاخص فرهنگی-اجتماعی در محله سنتی، ارتقای امنیت و آمادگی فرهنگ عمومی، با اقداماتی نظیر حفظ خاطره‌ها و هویت ارزش‌های ناب فرهنگی-اجتماعی با توجه به نیازهای امروز به عنوان راهبردی مؤثر پیشنهاد می‌شود. بازگرداندن و نگاه‌داشتن ساکنان اصلی محله سنتی به عنوان راهبردی برای ارتقای همبستگی اجتماعی و بهبود شاخص انسانی توصیه شده است.

راهبردهای توصیه شده برای ارتقای شاخص کالبدی-فضایی در محله جدید، شامل افزایش ایمنی و امنیت، با اقداماتی نظیر ایجاد فضاهایی مختص به دوچرخه سواری و پیاده‌روی، افزایش بازه زمانی فعالیت در شبانه روز، حذف کنج‌ها و زوایای پنهان در ساختمان‌های مجاور معبر پیاده می‌شود. به منظور افزایش زیبایی‌شناسی به عنوان راهبردی دیگر در ارتقای این شاخص، ایجاد نقش خوشایند سیمای شهری توسط ترکیب‌های متنوع و اصل کیفیت‌پذیری فضاهای شهری با ایجاد پرسپکتیوهای متنوع، توصیه می‌شود.

اقدامات اجرایی پیشنهادی برای بهبود فضاهای عمومی شامل تبدیل گره‌های شهری (میدان اصلی) محله به محل شکل‌گیری ارتباطات جمعی به جای محلی برای مانور اتومبیل، ایجاد فضاهای تجمع ما بین بلوک‌های مسکونی در جهت تعامل بیش‌تر ساکنان با یکدیگر و طبیعت، است. با کاشت گیاهان در حاشیه مسیر پیاده به گونه‌ای که مانع رؤیت‌پذیری مسیر نگردد، می‌توان کیفیت زیست‌محیطی را به عنوان راهبردی دیگر در ارتقای شاخص کالبدی-فضایی محله جدید ارتقا بخشید. در جهت بهبود شاخص فرهنگی-اجتماعی در محله جدید، ارتقای امنیت و آمادگی فرهنگ عمومی، افزایش حس قلمرویی ساکنان به منظور نظارت بیش‌تر بر فضا، به عنوان راهبردی مؤثر پیشنهاد می‌شود.

امکان ورزش همگانی و صبحگاهی برای تمامی اقشار جامعه، ایجاد امکان روابط میان گروهی به کمک بازی‌های جمعی و

برخی یافته‌های سایر پژوهشگران بیانگر این است که محله‌های قدیم به دلیل فرسودگی در کالبد و ساختار و کمبود تاسیسات و تجهیزات زیر ساختی و امکانات رفاهی در پاسخ‌گویی به نیازهای امروز شهروندان ضعیف عمل می‌کنند؛ لذا نسبت به محله‌های جدید ناپایدارتر هستند بنابراین بهسازی و نوسازی محله‌های قدیم برای افزایش پایداری در محله‌ها امری ضروری و مهم تلقی می‌شود، در راستای دست‌یابی به برنامه‌های توسعه و احیای بافت‌های قدیمی، بویژه بافت‌های تاریخی ارزشمند، حفظ و نگهداری کالبد و ساختار بناهای آن به خصوص مراکز این بافت‌ها، نمی‌تواند به تنهایی مورد توجه باشد بلکه بیش‌تر باید فعالیت‌های اجتماعی این ساختار مورد توجه قرار گیرد تا بتواند بافتی پویا و با هویت کالبدی رقم بزند.

شکل آپارتمان‌ها و منازل مسکونی امروزی هر چند بیش‌ترین قرابت مکانی را به هم دارند، ولی بیش‌ترین فاصله اجتماعی هم بین آن‌ها حاکم است. در پژوهشی دیگر، که به بررسی نقش عناصرتجمع‌پذیر در محله‌های سنتی به‌منظور ارتقای تعاملات اجتماعی پرداخته است این نتیجه حاصل شده است که فضاهای شهری تجمع‌پذیری در این محله‌ها، مکان‌هایی برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعی‌شان هستند که پرداختن به کیفیات آن‌ها سرزندگی‌شان را به حداکثر می‌رساند. براساس الگوهای شهرسازی جدید که در پژوهشی دیگر ارائه شده، پنج پیشنهاد اساسی، برای سامان‌دهی و بهسازی محله سنتی ارائه شده است که شامل تعیین مرکز محله، تزریق کاربری‌های معاصر شهری (مانند مجتمع‌های مسکونی-فرهنگی، مرکز خوداشتغالی و فضای سبز) تعیین واحدهای همسایگی، تعریض و احداث معابر و گسترش حمل‌ونقل عمومی است. ساکنان محله، موافق این‌نوع از سامان‌دهی و بهسازی بودند. در صورت اجرایشدن کاربری‌های پیشنهادی، هویت محله‌ای و حس تعلق مکانی بسین ساکنان افزایش می‌یابد و با این اقدامات، جلوی توسعه‌های لجام‌گسیخته شهر روی اراضی پیرامون گرفته خواهد شد و می‌توان تا اندازه‌ای به توسعه پایدار شهری نزدیک شد. بنابراین با استفاده از الگوهای شهرسازی جدید، می‌توان محله‌های سنتی و قدیمی را سامان‌دهی و بهسازی نمود و سرزندگی و نشاط دوباره را برای ساکنان این‌گونه محله‌ها به ارمغان آورد.

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق به ارائه راهبردها و پیشنهادهای اجرایی در ارتباط با محدوده مورد مطالعه به منظور تأکید بر نقاط قوت و از بین بردن و یا کاهش نقاط ضعیف به تفکیک محله‌ها پرداخته شده است.

در محله‌های مورد مطالعه، برای تحقق اجتماع‌پذیری لازم است بر سه معیار کالبدی-فضایی، فرهنگی-اجتماعی و انسانی تمرکز شود. راهبردهای توصیه شده برای ارتقای شاخص کالبدی-فضایی

- ایجاد فضاهای خدماتی مناسب برای زنده نمودن و تکاپو بخشیدن به بافت سایت؛

راهکارهایی برای باززنده‌سازی تحقق اجتماعی پذیری محله سپاهان شهر

شاخص کالبدی- فضایی

- فرصت ایجاد فضاهای سرگرمی و بازی، نصب تجهیزات و امکانات و میلمان شهری برای کودکان فضاهای باز واحدهای همسایگی؛

- برای ارتقای زیبایی و مطلوبیت منظر فضاهای عمومی، کاشت همزمان درختان خزان پذیر و خزان ناپذیر توصیه می گردد؛ به منظور افزایش ایمنی در معابر دسته دوم و سوم، لازم است که عرض معابر با ترافیک سواره عبوری، به گونه ای تغییر یابد که مانع افزایش سرعت نسبی سواره و افزایش امنیت پیاده شود؛ - برای افزایش نظارت اجتماعی، در صورتی که محدوده و دیوار مجتمع های مسکونی یکی از جداره خیابان را تشکیل می دهد بهتر است این جداره ها به صورت نیمه شفاف مثل نرده باشد و نه به صورت یک دیوار کامل؛

شاخص فرهنگی- اجتماعی

- راه اندازی گروه ها و انجمن های محلی برای افزایش تعاملات و همکاری؛

- بر اساس نظرات خبرگان در مورد تأثیر شاخص ها در اجتماع پذیری، این نتیجه حاصل می شود که شاخص ها و زیرشاخص های مورد بحث، تأثیر متفاوتی در اجتماع پذیری محله های سنتی و جدید دارند. راهکارهایی برای ارتقای برخی شاخص های مؤثر اجتماع پذیری به ترتیب اولویت بیان شده است.

جدول شماره ۱۰: راهبردها و راهکارهای متفاوت برای تحقق اجتماع پذیری در محله سنتی جلفا و محله جدید سپاهان شهر اولویت بندی بر اساس نظر خبرگان

محلّه	معیار	ارائه راهبردها	اقدامات اجرایی
سنتی	شاخص کالبدی- فضایی	اولویت ۱: افزایش ایمنی و امنیت.	تعییه پارکینگ های دورن محله ای. توجه به تفکیک عبور سواره و پیاده در مسیرهای اصلی. کاهش قهوه خانه های متعدد در طول مسیرهای اصلی.
		اولویت ۲: افزایش زیبایی شناسی.	نماسازی بر اساس معماری سنتی و با استفاده از مصالح بومی. تبدیل فضاهای متروکه حاشیه مسیر به کاربری های مورد نیاز محله.
		اولویت ۳: افزایش وجود فضاهای عمومی و فرهنگی اجتماعی.	بازنمایی و احیای هویت تاریخی و فرهنگی در کل محله توجه ویژه حول مراکز توریستی از جمله کلیساها صورت می گیرد. تبدیل کاربری خانه های سنتی به کاربری های فرهنگی- اجتماعی.
	شاخص فرهنگی اجتماعی	اولویت ۴: افزایش کیفیت زیست محیطی.	ایجاد فضاهای سبز و جمعی در طول مسیرهای اصلی.
شاخص انسانی		ارتقا امنیت و آمادگی فرهنگ عمومی.	حفظ خاطره ها و هویت ارزش های ناب فرهنگی- اجتماعی با توجه به نیازهای امروز.
		ارتقا همبستگی اجتماعی.	بازگرداندن و نگاه داشتن ساکنان اصلی بافت (ارامنه).

شکل دهی مکان های ویژه تجمعات (میز شطرنج و ...)، تقویت حضور زنان به کمک ارتقای سطح فعالیت آن ها و حتی واگذاری مسئولیت اداره فضا به آنان، منجر به حضور تمامی اقشار جامعه در محله شده و موجب ارتقای شاخص فرهنگی و اجتماعی در محله جدید خواهد شد.

برگزاری مراسم، اعیاد و عزاداری ها در مساجد محله کمک به شکل های فرهنگی و هنری برای برگزاری رویدادهای جمعی مثل پیاده روی همگانی، به عنوان راهبردی برای ارتقای همبستگی اجتماعی و بهبود شاخص انسانی توصیه شده است.

راهکارهایی برای باززنده سازی تحقق اجتماعی پذیری محله جلفا

شاخص کالبدی- فضایی

- ایجاد دید و منظر زیبا از طریق طراحی مسیرهای حرکتی و نحوه پوشش گیاهی؛

- دادن کاربری های جدید متناسب با فرهنگ آرامنه به فضاهای موجود برای بهبود وضعیت و حفظ آنها؛

- ایجاد و حل دسترسی مناسب برای فعالیت های مورد نظر در سایت؛

- دقت در انتخاب مصالح و تناسب با سایت تاریخی؛

- ایجاد ضوابط معماری و شهرسازی متناسب با معماری جلفا قدیم؛

شاخص فرهنگی- اجتماعی

- باز زنده سازی با معنای دقیق خود، یعنی کاربری جدید بخشیدن به فضاهای تاریخی با حداقل تغییرات، لذا سعی شود فضای جدیدی احداث نشود تا هویت تاریخی حفظ شود؛

محلّه	معیار	ارائه راهبردها	اقدامات اجرایی
جدید	شاخص کالبدی- فضایی	اولویت ۱: افزایش وجود فضاهای عمومی و فرهنگی اجتماعی.	گره‌های شهری (میدان اصلی) محلّه بیش تر جای مانور اتومبیل است تا شکل‌گیری ارتباطات جمعی. ایجاد فضاهای تجمع ما بین بلوک‌های مسکونی در راستای تعامل بیش تر ساکنان با یکدیگر و طبیعت.
		اولویت ۲: افزایش زیبایی شناسی.	ایجاد نقش خوشایند سیمای شهری توسط ترکیب‌های متنوع و اصل کیفیت‌پذیری فضاهای شهری با ایجاد پرسپکتیوهای متنوع.
	شاخص فرهنگی اجتماعی	اولویت ۳: افزایش ایمنی و امنیت.	ایجاد فضاهایی مختص به دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی. افزایش بازه زمانی فعالیت در شبانه روز. حذف کنج‌ها و زوایای پنهان در ساختمان‌های مجاور معبر پیاده.
		اولویت ۴: افزایش کیفیت زیست‌محیطی.	کاشت گیاهان در حاشیه مسیر پیاده به گونه‌ای که مانع رویت‌پذیری مسیر نگردد.
شاخص انسانی	اولویت ۱: ارتقای امنیت و آمادگی فرهنگ عمومی.	افزایش حس قلمروپایی ساکنان به منظور نظارت بیش تر بر فضا.	
	اولویت ۲: حضور تمامی اقشار جامعه.	امکان ورزش همگانی و صحبگاهی برای تمامی اقشار جامعه. ایجاد امکان روابط میان گروهی به کمک بازی‌های جمعی و شکل‌دهی مکان‌های ویژه تجمعات (میز شطرنج و ...). تقویت در حضور زنان به کمک ارتقای سطح فعالیت آن‌ها و حتی وارگذاری مسئولیت اداره فضا به آنان.	
	شاخص انسانی	ارتقای همبستگی اجتماعی.	برگزاری مراسم، عیاد و عزاداری‌ها در مساجد محلّه- کمک به تشکیل‌های فرهنگی و هنری برای برگزاری رویدادهای جمعی مثل پیاده‌روی همگانی.

فهرست منابع و مراجع

۱. رحیمی نژاد، فرزاد؛ تیموریان، محمد و پیرمحمدی، محمد (۱۳۹۵)، «بررسی نقش عناصر تجمع‌پذیر در تعاملات اجتماعی محله‌های سنتی»، **مطالعات هنر و معماری**، شماره ۴ و ۵.
۱۱. رئیسی، ایمان؛ عباس زادگان، مصطفی و حبیبی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، «نوشتاری بر پایداری اجتماعی در مسکن»، **فصلنامه آبادی**، سال هفدهم، شماره ۲۰ (پیاپی ۵۵)، تابستان ۱۳۸۶.
۱۲. زارع شاه آبادی، اکبر؛ حاجی‌زاده میمندی، مسعود و زارع بیدکی، خدیجه (۱۳۹۲)، «سنجش پایداری اجتماعی در بین محلات قدیم و جدید شهر یزد»، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، سال سوم، شماره هفتم.
۱۳. ساروخانی، باقر و نویدنیسا، منیژه (۱۳۸۵)، «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت، در تهران»، **فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی**، دانشگاه تهران، شماره ۲۲.
۱۴. سرائی، محمدحسین؛ بهرامی، فریبا و مهره کش، شیرین (۱۳۹۱)، «مؤلفه‌های هویت بخش محله‌های تاریخی شهر- بافت پیرامون مسجد جامع شهر اصفهان»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، دوره دوم، شماره ۸، تابستان.
۱۵. شکوهی، محمداجزاء و مرادی، فرشته (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی پایداری محلات سراب و سجاد مشهد با استفاده از روش AHP و دلفی (با مشارکت شهرداری مشهد)»، **مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای**، شماره ۱۹، پاییز و زمستان.
۱۶. شهبان، پویان و پیرایه گر، میلاد (۱۳۹۲)، «بررسی سطح پایداری اجتماعی در دو خیابان مطهری و ۲۲ بهمن شهر رشت، معماری و شهرسازی»، **آرمان شهر**، شماره ۱۱.
۱۷. صالحی نیا، مجید و معاریان، غلامحسین (۱۳۸۸)، «اجتماع‌پذیری فضای معماری»، **نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی**، شماره ۴۰.

۱. اصانلو، حسن (۱۳۹۰)، «مرمت شهری و باززنده سازی کانون‌های اجتماعی و آسیب‌شناسی در بافت تاریخی محله جلفای اصفهان»، **هویت شهر**، شماره ۹.
۲. بهزاد فر، مصطفی و طهماسبی، ارسلان (۱۳۹۲)، «شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تاثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه موردی مطالعه سندج»، **باغ نظر**، سال دهم، شماره ۲۵.
۳. پوراحمد، احمد و موسوی، سیروس (۱۳۸۹)، «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، دوره ۱، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۹.
۴. پیربایبی، محمد تقی و سجادزاده، حسن (۱۳۹۰)، «تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی»، **باغ نظر**، سال هشتم، شماره ۱۶.
۵. ثقه الاسلامی، عمید الاسلام و امین‌زاده، بهناز (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی»، **هویت شهری**، شماره ۱۳.
۶. جیکوبز، جین (۱۳۸۶)، **مرکز و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی**، حمیدرضا پارسا و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. حبیبی، محسن (۱۳۸۵)، **شرح جریان‌های فکری معاصر معماری و شهرسازی ایران**، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۸. حقیقتیان، منصوره؛ اسماعیلی، رضا و کریمی‌زاده اردکانی، سمیه (۱۳۹۴)، «محله محوری و احساس تعلق به محله در بین ساکنان شهر تهران»، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، شماره ۱۴.
۹. دانشپور، سیدعبداله‌ادی و چرخ‌چیان، مریم (۱۳۸۶)، «فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی»، **باغ نظر**، شماره ۷.

۱۸. عمادی، خشایار (۱۳۹۰)، **طراحی شهری به منظور ایجاد محیط شهری دوستدار کودک، نمونه موردی طراحی در سپاهان شهر اصفهان**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده هنر و معماری، اصفهان.
۱۹. طهماسبی، سوسن (۱۳۸۰)، «الگوهای مشارکت اجتماعی در ایران»، **فصلنامه مدیریت شهری**، شماره ۵.
۲۰. ساجدی، عبدالله (۱۳۸۹)، **عدالت اجتماعی و نقش آن بر توسعه پایدار**، سومین همایش ملی جغرافیا و رویکرد علمی به توسعه پایدار.
۲۱. سرایی، محمد حسین؛ روستا، مجتبی؛ میرجلیلی، احسان و اسدی، امیر (۱۳۹۲)، «ارزیابی پایداری اجتماعی محلات شهر جهرم»، **جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس**، شماره ۱۵.
۲۲. سهرابی، نارسیس و اکبری، سعید (۱۳۸۴)، «بررسی بافت محله جلفای اصفهان و ارائه راهکارهایی جهت حفاظت و ایجاد تعادل میان کالبد قدیم و جدید»، راه و ساختمان، شماره ۲۹.
۲۳. علیزاده، هوشمند؛ ایراندوست، کیومرث و برآورد، مهنا (۱۳۹۳)، «سنجش پایداری اجتماعی محلات بر اساس دیدگاه ساکنان - نمونه موردی: محله فیض آباد شهر کرمانشاه»، **مدیریت شهری**، شماره ۳۷.
۲۴. عطائی، رقیه و پورمحمدی، محمد رضا (۱۳۹۴)، «تأثیر مؤلفه های هویت کالبدی و فعالیتی بافت های تاریخی در ایجاد تعاملات اجتماعی»، **مدیریت شهری**، شماره ۴۱.
۲۵. قنبران، عبدالحمید و جعفری، مرضیه (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی (نمونه موردی: محله درکه تهران)»، **نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران**.
۲۶. کلاتری خلیل آباد، حسین و درخشانی، نجلا (۱۳۹۳)، «راهبردهای پایداری کالبدی- اجتماعی در محلات تاریخی- مطالعه موردی: محله عودلاجان تهران»، **فصلنامه مطالعات شهری**، شماره دهم.
۲۷. گل، یان (۱۳۸۹)، **فضاهای عمومی و زندگی جمعی**، علی غفاری و صادق سهیلی پور، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۸. لطیفی، غلامرضا؛ جمعه پور، محمود و گریوانی، سلیمه (۱۳۹۳)، «مقایسه تطبیقی سرزندگی در محلات مجیدیه جنوبی و سعادت آباد تهران»، **مدیریت شهری**، شماره ۳۴.
۲۹. مظفر، فرهنگ؛ مسعود، محمد و راست بین، ساجد (۱۳۹۱)، «ارزیابی تأثیرات کیفیت های شهری در میزان شاخص سرمایه اجتماعی در بافت های تاریخی (مطالعه موردی: محله جلفای اصفهان)»، **دوفصلنامه مرمت آثار و بافت های تاریخی، فرهنگی**، سال دوم، شماره چهارم. پاییز و زمستان.
۳۰. مفیدی شمیرانی، سید مجید و مضطرزاده، حامد (۱۳۹۳)، «تدوین معیارهای ساختار محلات شهری پایدار»، **باغ نظر**، سال یازدهم، شماره ۲۹.
۳۱. مهدیزاده سراج، فاطمه؛ مظفر، فرهنگ و سجاد، ریحانه (۱۳۸۸)، «مبانی خلق هویت در شهرهای جدید اقماری بررسی موردی: سپاهان شهر اصفهان»، **مجله آبادی**، شماره ۶۵.
۳۲. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷)، **شهر و معماری اسلامی، تجلیات و عینیات**، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان، اصفهان.
۳۳. نوابخش، مهرداد؛ پورموسوی، سیدموسوی و تاجیک، زهره (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی شاخص های توسعه پایدار اجتماعی کلاتشهر تهران (مطالعه موردی؛ منطقه ۶ و ۱۰)»، **تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، شماره ۲۹.
۳۴. ویلیامز، کتی (۱۳۸۳)، **دستیابی به شکل پایدار شهری**، مترجم: وراز مرادی مسیحی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۳۵. هادیزاده زرگر، صادق (۱۳۹۱)، **سنجش و ارزیابی پایداری اجتماعی، نمونه موردی: محلات شهر مشهد**، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر اصفهان. تابستان.
36. Altman, I. & Setha Low (1992). Place attachment, Plenum Press. New York.
37. Colantonio, A. (2007). Social Sustainability: An Exploratory Analysis of its Definition, Assessment Methods, Metrics and Tools
38. Colantonio, A & Dixon, T. (2009). Measuring socially sustainable urban regeneration in Europe, Oxford institute for sustainable development (OISD), school of the built environment, Oxford Brookes university.
39. DFID. (2002). Indicators for Socially Sustainable Development, <http://www.livelihood.org/info/docs/wssd-indbr.pdf>
40. Huang, S-C.L. (2006). A Study Of Outdoor Interactional Spaces in High-Rise Housing, Landscape and Urban Planing, No 78: 193-204.
41. Project for Public Spaces (PPS). (2010). What if We Build Our Cities Around Places? Retrieve March 25, 2010.